

شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران، خطاب به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت سیزدهمین سالگرد پایه گذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

صفحه ۲

دست امپریالیسم آمریکا از آبهای خلیج فارس کوتاه!

اوضاع در منطقه خاور میانه، در نتیجه سیاست تجاوز کارانه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا همچنان حساس و بحرانی است. ایالات متحده، بر ادامه جنگ اعلام نشده علیه مردم لبنان به پشتیبانی اسرائیل پافشاری می کند. هفته گذشته شولتز، وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد، عقب نشینی آمریکا از لبنان مایه تضعیف حاکمیت دوستان آمریکا در منطقه خواهد شد و به منافع آمریکا در خاور میانه و جهان لطمه خواهد زد. (فرانکفورتر آلگماینه - ۲۸ ژانویه ۸۴)

ایالات متحده تلاشهای خویش را در راه تقویت نظامی ارتجاع منطقه شدت بخشیده است. محافل دولتی آمریکا اعلام کرده اند که رئیس جمهور آمریکا قصد دارد برای ایجاد یک نیروی کماندوی اردنی به منظور دخالت سریع در بحران های احتمالی حوزه خلیج فارس بودجه ای به مبلغ ۲۲۰ میلیون دلار تأمین کند (راديو اسرائیل ۲۷ ژانویه ۸۴).

ایالات متحده معمولاً از موشک های ضد هوایی به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار به اردن ارسال خواهد کرد و وام های داده شده به اردن را نیز کمک بلاعوض تلقی خواهد کرد. از سوی دیگر دولت آمریکا قصد خود را مبنی بر فروش تعدادی موشک هوا به زمین به عربستان سعودی اعلام کرده است. این خبر در شرایطی اعلام می شود که مانور نظامی مشترک بقیه در صفحه ۱۴

راه توده

شهرمادران حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۴ بهمن ۱۳۶۲ مطابق
۳ فوریه ۱۹۸۴
سال دوم، شماره ۷۸
پهنا: ۴۰ سانتی متر

۱۴ بهمن روز شهیدان حزب و نهضت: ارانی قنهارفت و میلیونها بار گشت!

صفحه ۵

بیدادگاههای ج.ا.و، بر اساس و مدارکی که قابل مطرح کردن نیست، حکم صادر می کنند!

صفحه ۴

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور توطئه سرکوب سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را افشاء کنیم!

صفحه ۱

مردم مترقی جهان از ادامه قانون شکنی ها و تضییقات علیه حزب توده ایران خشمگین اند!

علیه حزب توده ایران و تودهای های درینستد،
شدت گرفته است. این نیروهای آزادی خواه از

بقیه در صفحه ۳

اعتراض و خشم احزاب، سازمانها و جمعیت
های مترقی و دمکراتیک جهان از ادامه اقدامات
تضییقی، ناقض قانون و حقوق انسانی بین المللی

انتخابات و زحمتکشان

با نزدیک شدن انتخابات دوره دوم مجلس شورا، جنجال تبلیغاتی رهبران ج.ا.و در باره انتخابات پیش از پیش اوج گرفته است. رهبران جناح های مختلف حاکمیت، تلاش می کنند به مردم ایران بقیولانند که انتخابات مجلس آینده، در تعیین آینده انقلاب، سرنوشت ساز خواهد بود. این ادعا خود نوعی سرپوش گذاشتن بر واقعیت است.

واقعیت این است که در نظام حکومتی ج.ا.و مجلس نمایندگان مردم، دیگر نقش تعیین کننده و رهبری کننده ندارد. از زمان چرخش به راست بهمن ۶۱، هنگامی که نمایندگان نافرمان مردم که خود سرانه لایحه اصلاحات ارضی و ملی کردن تجارت خارجی را تصویب کرده بودند، باعتبار و ارباب آیت الله خمینی، ملزم به تبعیت از نمایندگان انتصابی کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان، به شورای نگهبان شدند، مجلس منتخب مردم رسماً و عملاً به صورت نهاد قانونگزاری "مشروطه"، در چهار چوب حفظ منافع غارتگران مردم در آمده است.

اما نمایندگان سرمایه داران و زمین داران بزرگ، برای شتاب بخشیدن به پیشروی خویش در راه نوسازی نظام سرمایه داری وابسته، در این زمینه نیز به آنچه کسب کرده اند قانع نیستند.

بقیه در صفحه ۱۵

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده ای!

شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران، خطاب به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت سیزدهمین سالگرد پایه گذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای عزیز!

سیزد همین سالگرد پایه گذاری سازمان فدائیان خلق ایران را از صمیم قلب به شما تسنیت می گوئیم . سازمان قهرمان شما امسال سالگرد تولد شکوهمندش را در شرایطی برگزار می کند که امپریالیسم و ارتجاع نابودی و ویرانی هر آنچه را که مردمی و مترقی است و شقیقه تأمین سلطه غارتگرانه و استقلال شکنانه خود در میهن ما قرار داده اند .

رفقای عزیز!

از آن روز که آروزهای پاک و انسانی پیکار به خاطر استقلال ، آزادی و رفع ظلم و ستم و بی عدالتی اجتماعی شما را به جنگل های انبوه شمال میهن ما کشانید تا آنجا که خود به قسمتی از دریای خروشان جنبش کمونیستی و کارگری میهن ما تبدیل شدید ، راهی دشوار ، اما پسر افتخار را طی کردید .

رزم و پیکارتان ، رشد و گسترشتان ، وفاداری عمیقتان به آرمانهای والای انسانی . و به اهداف بزرگ ترقی خواهانه و مردمی جای بزرگی در صفوف پیشرو توده های زحمتکش و مترقی میهن ما و در انظار نیروهای مترقی و دمکرات جهان به شما تخصیص داده است . آشتی ناپذیری ، اصولیست و پیگیری شما در پیکار به خاطر دست یابی به اهداف سیاسی و اجتماعی ، به نفع استقلال میهن و نجات مردم زحمتکش ، خواب را بر دشمنان شما که دشمنان مشترک ما و همه مردم زحمتکش و میهن دوست ما هستند ، حرام کرده است . امروز ارتجاع ایران با همکاری و راهمنائی

امپریالیسم و ارتجاع جهانی غدارانه ترین شیوه های پلیسی را برای قلع و قمع سازمانهای ما و سایر سازمانهای مردمی و مترقی و دمکراتیک به کار می برند . امپریالیسم و ارتجاع عملاً دست اندر دست ، در جبهه واحدی ، هر روز به سنگر های دیگر زندگان راه استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی میهن ما می تازند . این هجسب و د- منشا نه ، غیر قانونی و انقلاب بر بادده روز به روز گسترش و عمق بیشتری می یابد . ارتجاع و عوامل امپریالیسم که میزان قدرت و عظمت اراده خلقهای پسا خاسته و صمم میهن ما را از نزدیک دیدند و لمس کردند ، اینک با تمام نیروی خود کمر په نابودی همه ستون ها و ارکان جنبش مردمی و انقلاب شکوهمند میهن ما بستند . آنها تلاش دارند که ناتوانی خود را در لحظات اوج خیزش امواج انقلاب جبران کنند ، تلاش دارند کسه آن آتش سوزنده ای را که خرمن سرسلسله ظلم و خیانت را سوزاند و می رفت که دیگر حلقه های این زنجیر خیانت و ظلم را در کشور نابود کند ، خاموش سازند .

با حربه دروغ ، ریا ، عوام فریبی و شکنجه به مردمی ترین و مبارزترین و پیشروترین نیروهای انقلابی میهن ما می تازند تا آنان را بدنسام ، منزوی ، ضعیف و نابود سازند . یورش سبحانسه امپریالیسم و ارتجاع دقیقاً حساب شده و متناسب با اهدافی است ، که برای برگرداندن همه آنها به آسیاب دوران سلطه ، بی چون چرای زر و زور و وابستگی تام و تمام به امپریالیسم جهانی و در درجه اول امپریالیسم آمریکا لازم می دانند .

این مبارزه درخشان سازمان های ما طی سالهای طولانی پیکار به خاطر استقلال و تمامیت ارضی و آزادی و تأمین حقوق عباد لانه اجتماعی و سیاسی برای زحمتکشان میهن ماست که آماج حملات خشمگین و سبحانسه امپریالیسم و ارتجاع قرار گرفته است .

همبستگی عظیم و نیرومند جنبش کمونیستی و کارگری و پیشاپیش آن حزب پرافتخار لنین و سایر نیروهای مترقی و دمکرات و انسانهای شریف در سرتاسر جهان داغ ننگ و رسوائی بر پیشانی پردازندگان اباطیل سیا ساخته آن فرو کویند .

مردم ایران نه در دوران قلدری شاه دست نشانده امپریالیسم آمریکا و نه در دوران عوام فریبان مدعی استقرار " عدل آسمانی " در تشخیص خود نسبت به سازمانهای ما دچار سردرگمی نشده و نخواهند شد . پیگرد ها ، بازداشتها ، شکنجه ها ، شوهای تلویزیونی ، زندان های طولانی و اعدامها هیچ یک قادر نیست که بر حقانیت سازمانهای پرافتخار ما سایه بیفتند . فرزندان حزب توده ، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هم چنان با سربلندی و افتخار ، با پایمردی و استواری ، صمم به دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما هستند .

رفقای عزیز!

هیچ نیروئی قادر نیست به اتحاد خلصل ناپذیر ما خدشهای وارد آورد و اطمینان داریم که پایه استوار اید غولوزی ما - مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و میهن دوستی بی شائبه ، وفاداری عمیق به اهداف زحمتکشان میهن ما این بار نیز یورش بربرمشنانه دشمنان انقلاب را ، سازمانهای ما با مقاومتی د رخر نام و اهداف خود از سر خواهند گذراند و دشمنان استقلال و آزادی میهن را ناکام خواهند ساخت . سازمان های ما آن آگاهی ، اراده و نیرو را در خود می بینند که دوش به دوش همه نیروهای

مترقی و میهن دوست در جبهه متحد خلق ، دفاع از دستاورد های انقلاب را جابه عمل بیوشانند . کمیته مرکزی حزب توده ، ایران بار دیگر این سالروز پرافتخار را به شما همزمان ارجمند صمیمانه تبریک می گوید .

پیروز باد سازمان برادر ما

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

بهمن ۱۳۶۲

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

توطئه سرکوب سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را افشاء کنیم!

مردم مبارز ایران!

همانطوریکه پیش بینی می شد و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بارها در یک ساله گذشته اعلام داشت ، توطئه سرکوب سازمان فدائیان خلق ایران ، که تا کنون سعی می شد از طرف مقامات رسمی ایران به صورت اعلام نشد ه پیش برده شود امروز رسماً از طرف رژیم اعلام می شود .

روز شنبه اول بهمن ماه ۱۳۶۲ ، ری شهری دادستان دادگاه شرح ارتش در جریان مصاحبه مطبوعاتی که جهت اعلام احکام افسران انقلابی و میهن پرست ترتیب داده بود اعلام کرد که سازمان

فدائیان خلق ایران (اکثریت) را " غیرقانونی " اعلام خواهد نمود!

مدهاست که دستگاه های سرکوب جمهوری اسلامی ایران همه نیروی خود را جهت تعقیب ، پیگرد و دستگیری رهبری و کادرهای سازمان ما متمرکز نمودند . سازمان فدائیان خلق ایران در شهرری ماه در مصاحبه ای که با رفیق فرخ نگهدار دبیر اول کمیته مرکزی سازمان به عمل آمد ، اعلام نمود که " هم اکنون مقدمات یورش به سازمان به پایان رسیده است . " رهبران جمهوری اسلامی ایران به دنبال سرکوب سازمان بقیه در صفحه ۱۳

مردم مترقی جهان از ادامه قانون شکنی ها و تضییقات علیه حزب توده ایران خشمگین اند!

بقیه از صفحه ۱*

این که رهبران ج ۱۰ به هیچ یک از خواست های به حق و انسان دوستانه آنان ترتیب اثر نمی دهند، شدیدا محترض اند. آنان به سرکوب وحشیانه حزب توده ایران، به مثابه پشتیبان راستین منافق مردم ایران، اعتراض دارند، به اعمال شکنجه های روحی و جسمی بر توده های در بند و دیگر مبارزان دگراندیش محترضند، بریائی دادگاه های فرمایشی درسته علیه افسران میهن دوست و برخی از فعالین حزب توده ایران را محکوم می کنند. احکام جابرانه صادر شده از جانب مقامات قضائی ج ۱۰ را مردود می شمردند و افزون بر اینها، ادامه اعمال ضد بشری و قانون شکنانه و به دراز موافقت بین المللی و سکوت و واکنشهای غیرمسئولانه مقامات ج ۱۰ در قبال خواست های آنان ابراز خشم و انزجار می کنند. آنان در پیام هبیا و اعتراض نامه های خود تصریح می کنند اتخاذ چنین عکس العمل هایی، تنها نشانه ضعف و ماهیت ضد انسانی مقامات مسئول ج ۱۰ است. به گوشه ای از این اعتراضات و ابراز همبستگی ها توجه کنید:

بر اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک، پاسخ مثبت دهد.

● سازمان " جوانان سوسیالیست کارگر آلمان، در ایالات هسن و نیدرزاکسن، طی انتشار بیانیه و مخابره تلگرام، به مقامات مسئول دولت ج ۱۰، نسبت به اعمال تضییقات و فشار بر علیه حزب توده ایران و سازمان جوانان توده ایران، شدیدا اعتراض نموده، پایان دادن به شکنجه و رفتار وحشیانه در مورد آنان و آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی و همچنین تشکیل دادگاه های علنی با شرکت ناظران بین المللی را برای متهمان، خواستار شده اند.

فرانسه

● کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (ت.ت.ت) در استان یوش دورن - مرکوز پاریس - تلگرامی به تاریخ ۹ دسامبر (۱۸ آذر) به سفارت ایران در پاریس مخابره کرده است و بدین وسیله نگرانی شدید کارگران منطقه را نسبت به برگزاری دادگاه های در بسته نظامی علیه میهن دوستان و اعضای حزب توده ایران، ابراز کرده است. کنفدراسیون همچنین تأمین حقوق حقه متهمین، از جمله، حق انتخاب آزادانه وکیل از طرف ایشان و انجام جلسات محاکمه به صورت علنی و با حضور ناظران بین المللی را خواستار شده است.

● از طرف آپاچیو، دبیر کل " اتحادیه فدرال کارگران " فرانسه که از نظر اهمیت دومین سند یکنای کارگری این کشور است در تاریخ ۱۲ دسامبر (۲۱ آذر) تلگرامی بدین مضمون خطاب به سفیر ج ۱۰، مخابره کرده است:

" بدین وسیله، نگرانی عمیق خود را نسبت به آنچه که در کشور شما می گذرد، ابراز می داریم. اختیار متعدد، مربوط به تجاوز به حقوق انسانها و آزادی در ایران و از جمله، پایمال کردن مواد ۵ و ۹ بیانیه جهانی حقوق بشر، ما را وادار می کند، نسبت به نقض این حقوق اعتراض کنیم. ما خواستار آنیم که ضمن مسافرت به کشور شما از نزدیک، چگونگی این اعمال را بررسی کنیم و از این رو، آمادگی خود و نیز هیئتی از ناظران فرانسوی را جهت اعزام به ایران و ملاقات با زندانیان اعلام و منتظر دریافت اجازه روادید از مقامات مسئول این کشور هستیم."

زندانیان سیاسی مترقی است. به علت تراکم اعتراض نامه ها و کمبود جاسا، تنها به ذکر اسامی شعبه های حزب اکتفا می کنیم:

حزب کمونیست آلمان در ایالت شلزویگ- هولشتین و شهر کیل گروه کمونیستهای مدرسه عالی کیل گروه های حزب در مناطق فریدریشز دورف، ساکس دورف، گاردن، دیترشز دورف، هاسه و مرکز شهر کیل شعبات حزب کمونیست آلمان در شهرهای کارلسروهه، هایدلبرگ، کیسن، آلسفلد و کلن گروه کمونیستهای مدرسه عالی کلن شاخه ایالتی حزب در استان بادن وورتمبرگ و شعبه حزب در ناحیه ورتراو.

● کنفرانس نمایندگان منطقه ای حزب کمونیست آلمان در کلن نیز، اعمال روشهای وحشیانه در مورد اعضای حزب توده ایران و سایر دگراندیشان را شدیداً محکوم نموده و طی ارسال نامه ای به سفارت ج ۱۰، خواسته است که دولت ایران، ضمن رعایت حقوق حقه زندانیان، به تعقیب و پیگرد نیروهای مترقی، یازداشت و شکنجه آنان پایان دهد و به خواست بر حق محافصل دمرات در آلمان فدرال و سراسر جهان، مبنی

آلمان فدرال

سازمان حزب سبزها در شهر کیل، طی ارسال تلگرامی به مقامات دولتی ج ۱۰، خواسته است که محاکمات اعضای حزب توده ایران در دادگاه های نظامی به فوریت متوقف شود و جلسات به صورت علنی و با حضور ناظران بین المللی برگزار گردد و کلیه زندانیان سیاسی مترقی آزاد شوند.

این حزب، همچنین متن تلگرام را به فراکسیون پارلمانی خود ارسال و از اعضای فراکسیون خواسته است، که در این باره سریعاً اقدام نمایند.

● ارسال نامه ها و مخابره تلگرامهای اعتراضی خطاب به مقامات مسئول ج ۱۰، در رابطه با تشکیل دادگاه های در بسته نظامی علیه اعضای حزب توده ایران و افسران میهن دوست، از طرف شعبه های حزب کمونیست آلمان در ایالات و شهرهای این کشور، همچنان ادامه دارد. خواستهای مطرح شده از جانب سازمانهای مختلف حزب، مبنی بر تشکیل جلسات محاکمات به صورت علنی و با حضور ناظران بین المللی، احترام به حقوق قانونی " متهمان " و آزادی کلیه



با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

بیدادگاههای ج.ا.، براساس، مدارکی که قابل مطرح کردن نیست، حکم صادر می کنند

اولین پرده نمایش شوم و خیانت بیدادگاههای نظامی که در آن دوستان مردم و انقلاب، به وسیله دشمنان خلق و آرمانبهائی مردم می به محاکمه کشیده شدند، پایان یافت. در این "دادگاه" های خالی از اغیار که چون حجایی بر خیانت های سردمداران ج.ا. به کار گرفته می شود، نه تنها هیچ ضابطه و معیار حقوقی، قانونی و انسانی حاکم نیست، بلکه ابتدائی ترین موازین آئین دادرسی نیز مورد عنایت قرار نمی گیرد. ویژگی های این "محاکمات" را که به فرموده امپریالیسم و ارتجاع بر پا شده، می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. دادگاهی فاقد دلیل و مدرک

سردمداران ج.ا.، از فردای یورش افسار گسیخته به حزب توده ایران با بهره گیری از تقوایی که دیگران را به داشتن آن موظف می کنند، اعلام کردند:

"از نظر جرم قضایی، این افراد براساس اعترافاتشان و مدارک موجود بزرگترین جرم ها را مرتکب شده اند" (اردبیلی - رئیس دیوانعالی کشور - روزنامه ج.ا. ۱۸ اردیبهشت).
 "حزب توده (ایران) ۳۰۰ سعی می کرد به اطلاعات اقتصادی، سیاسی و نظامی کشور دست یابد. ۳۰۰ هم اکنون ما دستگاه های جاسوسی از این حزب به دست آوردیم" (محسن رضائی - فرمانده سپاه پاسداران - اطلاعات - ۲۲ اردیبهشت).
 "... در تذکیر اتهامات عجله نکنند."
 ما مدارک غیر قابل انکار در دست داریم" (هاشمی رفسنجانی - رئیس مجلس - ۳۰۰ در نماز جمعه).

ولی حتی یک برگ از این "مدارک موجود"، دستگاه های جاسوسی و "مدارک غیر قابل انکار"، در جریان محاکمات فرمایشی ای که گزارش های دیکته شده، مخدوش و ناقص آنها در روزنامه های مجاز کشور درج شده، در معرض داور عمومی مردم ایران و جهان قرار نگرفت. به این دلیل روشن که مدارک و سندی وجود نداشته و نمی توانسته وجود داشته باشد تا دادستان حکومت ج.ا.، آن را به کیفرخواست ادعایی خود ضمیمه کند.

سردمداران ج.ا. و مراجع قضائی و عاملان اجرائی آنان در زمینه ارائه و چند و چسبونی "مدارک موجود" در جریان بیدادگاه ها، به همین بسنده کردند که مضمون اتهامات سیاه ساخته و ساواجا پرده اخته را تکرار کنند و توهمات

مهجور و مایخولیای ذهنی خود را در قالب سند و مدارک بگنجانند و بر پایه آن، زمینه قتل عام گسترد های را تدارک ببینند.
 اما موج فشار و اعتراضات گسترده نیروهای مترقی جهان مانع از آن شده که خیانت پیشگان حکومتی، به این عدالت کشی های رسوا ادامه دهند. از این رو تقلاهای مذیوحانه ای در جهت مدرک سازی و سند تراشی آغاز شد و حاصل نامشروع آن در آخرین جلسه بیدادگاهی که در آن چند خبرنگار خارجی راه یافتند، به اصطلاح به نمایش گذاشته شد: چند خان و مترها سیم که هر دانش آموز دبیرستانی ای هم می تواند آنها را سرهم کند! خبرنگاران خارجی، در برابر این "دستگاه جاسوسی" که میلیون ها مشابه آن را در فروشگاه های الکتریکی ایران هم می توان یافت، واکنشی جز پوزخند نداشتند و مردم کوچی و بازار به حق این "دستگاه جاسوسی" را با دستگاه های پیشرفته و پیچیده ای که در جاسوس - خانه آمریکا کشف شده، مقایسه کردند و یک بار دیگر بر بی پایگی ادعاهای سران ج.ا. پسوی بردند.

به اعتراف صریح حجت الاسلام ری شهری، رئیس دادگاهی که پیش از آغاز کار محاکمات، "متهمین" را "جاسوس" خواند، توجه کنید: "خبرگزاری فرانسه: سه جز لوازم الکترونیکی که به ما نشان دادید و سلاح هایی که پیدا کردید چه مدارک دیگری داشتید؟"

رئیس دادگاه: "مدارک یا لوازمی که آنها برای کارهای خودشان داشتند، مدلی که در رابطه با دستگیری این حزب وجود داشت، مدارک اطلاعاتی است که قابل مطرح کردن نیست و این لوازم هم غیر از این لوازم الکترونیکی و اسلحه، ظاهرا چیز دیگری که قابل مطرح کردن باشد، نبوده" (اطلاعات، ۲ بهمن)!

حجت الاسلام ری شهری، با این اعتراف رسوا کننده، در عین حال سند محکومیت محاکم قضائی و سران شقی ج.ا. را که بر پایه "مدارکی که قابل مطرح کردن نیست" - پیوسته - گریزترین پشتیبانان منافع مردمی را به پای میز محاکمه می کشند و زندگی و آزادی و شرف آنان را به بازی می گیرند، ارائه می کند.
 دامنه تقلاهای مدرک سازی و سند تراشی، به مطبوعات مجاز هم کشیده شد.
 قلم به مزدان روزنامه ج.ا. ۱۰ - ۲۹ دی - در این رابطه می نویسد:

"راد یوهای فارسی زبان شهری ۱۳۳ پرنه خود را به حمایت از جاسوسان توده ای اختصاص داده اند."
 و اضافه می کنند:

"لازم به توضیح است که محور عمده سخن پراکنی های رادیو مسکو بر این ادعا خلاصه می شد که اعتراضات سران حزب ۳۰۰ تحت شرایط غیر طبیعی از قبیل به اصطلاح شکنجه، آمپهل قرص و غیره بوده است. و همچنین ادعا کردند که هیچ گونه سندی دال بر جاسوس بودن سران اعضاء حزب در دادگاه انقلاب اسلامی ارائه نشده است."
 و سرانجام به افتخار کشف "بهترین و روشن ترین دلیل و سند" ناظمی آینه وی نویسنده:
 "۳۰۰ اگر بر فرض محال، دلیل و سندی در محکومیت سران حزب در دست نبود، همین حمایت های آشکار تبلیغاتی و پشتیبانی کلی تشیانی کرملین از این عناصر وابسته خود بهترین و روشن ترین دلیل و سند بر جاسوس بودن و خیانت حزب ۳۰۰ است."

ناگفته پیداست که در خلال این عبارات غلاظ و شداد، اعتراف ضمنی به عدم وجود مدرک و سند هم نهفته است. در واقع قلم به مزدان جمهوری اسلامی و نیز صاحب امتیاز این روزنامه - خامنه ای - رئیس جمهور - و همپالکی هایشان به خوبی می دانند که این تنها اتحاد جماهیر شوروی نیست که به درستی و بر اساس سرشت مردمی و مشی اصولی خود از زحمتکش و حامیان توده های محروم، از حزب توده ایران دفاع می کند. تمامی احزاب، سازمانها، نهادها و محافل کارگری، دموکراتیک، مترقی و انقلابی سراسر جهان که قطعا تلگرامها، پیام ها، نامه های اعتراضی و همبستگی با حزب توده ایران و توده های در بند آنان را دریافت کرده اند، به دفاع از حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران برخاستند و آمادگی داوطلبانه خود را برای حضور در دادگاهها، بررسی وضوح "متهمین" و چگونگی "کسب اقرار" از آنان اعلام داشتند. سردمداران ج.ا.، آگاهانه بر این حقیقت چشم می بندند تا بر واقعیت عدم وجود "بهترین و روشن ترین دلیل و سند"، که به کلی اعتبار هر دادگاهی را ساقط می کند، پرده بکشند و گرنه آنچه که آنان به عنوان "سند جاسوسی و خیانت" از آن یاد می کنند - یعنی حمایت بی دریغ و آگاهانه نیروهای مترقی جهان - سندا افتخار و گواه والاترین احساسات انسان دوستانه و عدالت جویان این نیروهاست که در سراسر جهان، برای دستیابی به آن مبارزه می کنند.

۲. دادگاهی خالی از اغیار

آقای لاجوردی در مصاحبه ای با روزنامه بقیه در صفحه ۱۰

۱۴ بهمن روز شهیدان حزب ونهضت: ارانی تنهارفت ومیلیونها بازگشت!

۱۴ بهمن روز خاطره‌های گلگون، روز شهدای حزب ونهضت، روز انفجار آیه‌های رسولی که از خاکستر حقیقت برخاست و با دهان "ارانی" آوازه‌های سرخ رستگاری خواند، روز مرد گانی که به تمامی از این جهان نرفته‌اند، روز پیوند عاشقانه وفاداری و مرگ، روز رستاخیز آن تن مجروح و تنآوری که به حجم گور همه شهدای ماست. امسال این روز در شرایطی برگزار می‌شود که بخش بزرگتری از خاک میهن ما به گورستان شهید ابدل شده است.

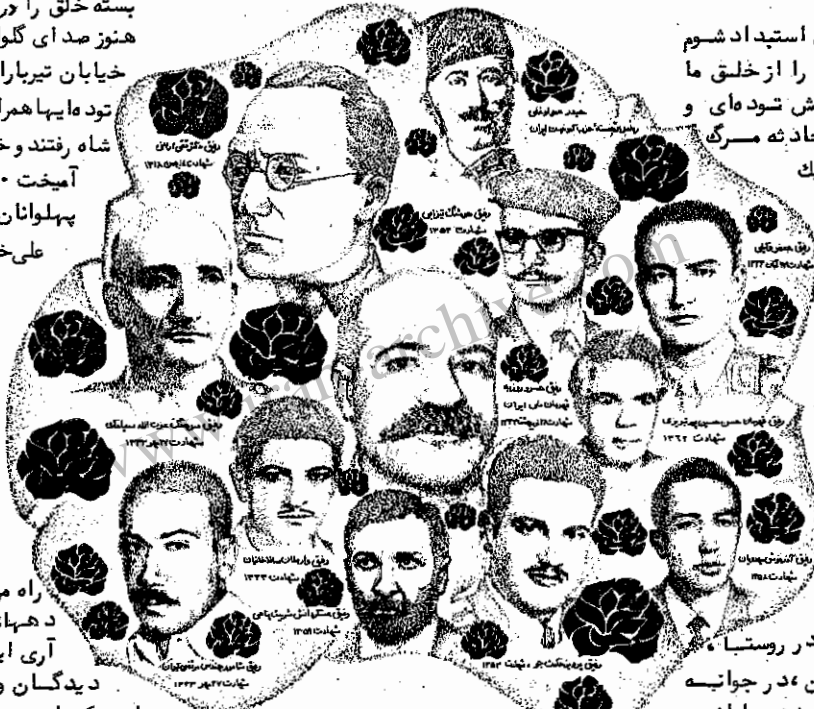
۴۴ سال پیش در چنین روزی استبداد شوم رضا شاهی، زندگی پرغنائی مردی را از خلق ما گرفت که داغ او همیشه بر دل جنبش توده‌ای و کمونیستی ایران تازه است. اگر حادثه مرگ "مارکس" به مثابه کوتاه شدن يك

سرو کردن از قامت بشریست تعبیر شده، مرگ زودرس ارانی به معنی کوچک شدن پیکر خلق ما - درست به اندازه بزرگ - ترین سری که داشت - بود. "آواز خوان گذشت، ولی ترناش به دامنه کوهپایه‌های وطن ما گل کرد". "ارانی" در حزب توده‌ای ما شکفت، در کوجه و خیابان جاری شد، در خانه‌ها و کارخانه‌ها، در آه‌سن و کوره و پتک، در بازوی رنج و نبرد، روئید، در روستا،

در داس و خیش و خرمنکوب دهقان، در جوانیه‌ها و ریشه‌ها و گندم زارها، منتشر شد. ارانی آلودی که از ارانی تا امروز امتداد دارد، از میدان بزرگترین حماسه‌های خلق ما و گورستان هزاران قهرمان گفتم می‌گذرد. این جای پای رزم و نبوت و مناجات از هولناک‌ترین شکنجه‌های جهنمی‌ترین زندانها و آستانه ارفوانسی صدها سحرگاه تیرباران عبور کرده و با اخگر هزار قلب پرگونه آینده بوسه زده است.

آری، طلبیدن رهایی و آزادی مردم، یعنی اعلان جنگ آشکار به دشمنانی که بی‌شرمانه از زحمت ثمر بخشیدی و فکری مردم برای آراستن کاخ‌ها، و پایمال کردن سعادت بشری استفاده می‌کنند. نبرد با آنان، نبرد پهلوان است. بسا اژدهایی هفت سر، آتشکام، بی‌رحم و شرم، نبردی مقدس و عظیم که تاریخ ایران از غلغله حماسه‌آمیز آن سرشار است: یا فرید، ابومسلم، المقنع، مزدک،

بابک، مازیار، مرداویج، سرداران... مجاهدان و فدائیان جنبش مشروطه، شهیدان استبداد رضا شاهی، عشقی، فرخی، ارانی، شهیدان جنبش آذربایجان و کردستان، شهیدان سازمان نظامی حزب توده، ایران در ادوار مختلف آن، شهیدان جنبش پایداری اخیر دوران ارتجاع سیاه محمد رضا شاهی: خسرو روزبه، هوشنگ تیزابی، خسرو گل‌سرخ، پرویز حکمت جو... شهیدان کنونی جنبش مردم ایران... فهرستی بسیار، بسیار ناقص از يك کارنامه بسیار عظیم، پرافتخار، از کارنامه نبرد مردم ایران علیه فئودال‌ها و سرمایه‌داران ستگر، علیه مستبدان،



و ایثار را به تمامی ننوشته‌اند. از آن سیده دم خونین که فریاد ارانی و یارانش دیکتاتوری نو استقرار یافته را لرزاند تا روزی که تخت و تاج سلطنت واژگون شد، فریاد توده‌ای‌ها در شکنجه‌گاه‌ها و میدانهای اعدام هرگز قطع نشد. هنوز رزمی و معصومی در سیاه چالهای شاه می‌خروشنیدند که قامت پهلوان، حکمت جو در شکنجه‌گاه قطعه قطعه شد. و هنوز خلق در سوگ پرویز بود که تیزابی با اسطوره مقاومت خود در خیابان را از پا انداخت و خود پل دهان بسته - دهان خسته‌ای که راز سر بسته خلق را در خود داشت - مرگ را صدا کرد. هنوز صدای گلوله‌هایی که رحیم و تویج را در خیابان تیرباران کرد در فضا طنین انداز بود که توده‌ایها همراه خلق به فتح آخرین دژهای رژیم شاه رفتند و خون آنها با خون خلق در هم آمیخت. آنگاه آزمون دیگری فرا رسید و پهلوانان توده‌ای همچون عسگر دانش، امیر علی‌خانسی، تقی جاوشی، سیمین سلامی زاده و صدها پهلوان دیگر، پیشاپیش مردم در میدان‌های خون و آتش در جبهه‌های دفاع از میهن جان باختند. هنوز خاطره فداکاری‌ها و جانبازی‌های این شیفتگان خلق، در یاد‌های مردم میهن مازنده است، که یورش وحشیانه به پیگیرترین مدافعان راه مردم، حسین پور تبریزی و ریاحی و ده‌ها تن دیگر را به کام خود فرو برد. آری این صف طول شهدا و شکنجه دیدگان و قهرمانان، این دعوی سترگی است که با هیچ عیاری قایل سنجدین نیست!

فاشیست‌ها و نفوذاشیست‌ها و چاکران استعمار و نواستعمار. این کارنامه تنها برای آنکه تصویری به دست آید ارائه می‌شود: از این میان حتی يك نام را نباید فراموش کرد! اگر امروز جباران و ستگران، سرزمین میهن ما را از خون ارانی‌ها و شاگردان وفادار او گلگون می‌کنند، پیروزی نهایی با ارانی است که گفت: "قوه محرک و تخمیر قوانین جابرنه به دست توده‌ها به قدری بزرگ است که بزرگترین سدها را در سر راه خود خورد خواهد کرد." کد امین نغمه می‌ریزد کد ام آهنگ خواهد ساخت، طنین گام‌هایی را که سوی نیستی مردانه می‌رفتند!

طنین گام‌هایی را که آگاهانه می‌رفتند! رهروان این قافله خونین، هنوز تاریخ رزم

سرود بخوانید، بخوانید!
سیاهان هارلم، کشتگران ویتنام، کارگساران دمشق، پرزگران کنگو، سربازان آنگولا، خلقهای جهان، جهان کار سرود بخوانید، بخوانید:
این قافله شهیدان است که باز می‌گردد و در دستهای خونین خویش لبخند آزادی دارد. این سرود شهیدان است که بر خاک وطن می‌گذرد:
مرگ ما بیهای آزادی خلق ماست... گوش کنید... گوش کنید... هنوز صدای خنجر آسای و وارطان از دیوار شکنجه‌گاه می‌گذرد... من می‌میرم، اما باز نمی‌گرم...
هنوز "سیامک" در برابر جوخه اعداام لبخندش را به پیشیا ز آینده می‌فرستد:
"آنها که از بی‌ما می‌آیند، پرچم ما را دوباره به دوش می‌کشند."

نابرابری در عرصه کار، محدودیت‌های اجتماعی زنان را تکمیل می‌کند

تحلیل موازین قرون وسطائی بر زنان، در ابعاد فاجعه باری گسترش می‌گیرد. سیاست زن ستیزانه حاکمیت ج ۱۰ هر روز با وضع مقررات جدید، محدودیت‌های بیشتری را علیه زنان به ثبت می‌رساند. موقعیت اجتماعی زنان، فارغ از جنجال‌های تبلیغاتی و های و هوی و معرکه پردازی‌ها نشان می‌دهد که مسئولین ج ۱۰ به رغم ادعاهای پیچ و پیی محتوی، نه تنها قدمی در راه اعاده حقوق حقه زنان برنداشته‌اند، بلکه به کمک ارتجاع و قشرونی از هیچ فرصتی برای شقه کردن پیکر رزمنده جامعه ما، به دو نیم بی‌جان زن و مرد غافل نمی‌مانند.

به موازات تحکیم هرچه بیشتر مواضع فارتگران منافع مردم در حاکمیت، تهدید امنیت شغلی و اقتصادی زنان و عملاً محروم ساختن آنان از سایر حقوق اجتماعی، مشتایی فزاینده به خود گرفته است. محتوای متفاوت آموزش پسران و دختران، محدود کردن رشته‌های تخصصی برای دختران، اخراج بی‌رویه زنان از پست‌های دولتی به بهانه های مختلف، تصویب و اجرای قانون اشتغال نیمه وقت زنان و بالاخره جلوگیری از استخدامات جدید، هم زیر پوشش "احترام به مقام و وظایف والای مادری"، زنان را به موجوداتی درجه دو تقلیل داده است.

تاریخچه اعمال تضییق و تحدید حقوق حقه زنان میهن ما، به یورش‌های برنامه ریزی شده جریان راست در عرصه اقتصادی بر می‌گردد. یورش‌های که سلاح و ایدئولوژی سیستم‌های بهره‌کشی، یعنی تبعیض را به میدان آورد. تبعیض گرایانه ابزار سوجدوئی و وسیله کارائی در روند اقتصادی حکومت‌های ضد مردمی است. در بحران‌های اقتصادی جوامع سرمایه‌داری، زنان همراه اقلیت‌های نژادی یا خارجی قبل از همه زیر ضربه اخراج‌ها و تسویه قرار می‌گیرند. تبعیض گرائی، کلا سیاست تجاوز به حقوق طبقه کارگر است. سیاستی است که زنان را در همسایگان موقعیت پستی نسبت به مردان قرار می‌دهد که زحمتکش را در برابر سرمایه، تبعیض و تعسوف عنان گسیخته مراجع مسئول به حقوق زنان سیر صعودی طی می‌کنند. آگاهی استخدامات رسمی کشور گوشمای از این فاجعه را نشان می‌دهد. زیرا زنان را از احراز مشاغل که به زعم مسئولین کشوری ج ۱۰ برای آنان مجاز شمرده می‌شود نیز محروم می‌سازد و منحصر از "برادران" جهت اشتغال به کار دعوت به عمل می‌آورد.

هم‌تراز چنین تبعیض خشنی را تنها در سیاست آپارتاید حکومت‌های نژاد پرست می‌توان یافت. بورژوازی راست گرای افراطی، با توسل به پست‌ترین شیوه‌ها، جداسازی صفوف زنان و مردان و به کنج خانه راندن زنان را به جامعه

ما تحمیل کرده است. دشمن طبقاتی کاملاً به قدرت اتحاد و شکل زحمتکشان، اعم از زن و مرد واقف است و برای جبران شکست تاریخی خود، می‌کوشد جنبش توده‌های میهن ما را از مشارکت فعال نیی از جامعه محروم سازد.

انقلاب بهمن ۵۷ نتیجه درک و آگاهی زنان و مردان میهن ما، از بحران و نابرابری‌های اجتماعی بود. همکاری و تفاهم عمیق میان زنان و مردان در جریان انقلاب، پشت سر گذاردن بینش‌های پوسیده و عقب افتاده، در تمام عرصه‌های مبارزه، چنان قدرت و شخصیتی از زنان به نمایش گذاشت که سردادن شعار "زن، انسان ساز است" نقش زنان در این نهضت از مرد ها بیشتر است و "در اوج پیروزی از جانب

در انتخاب کار که در حرف مورد قبول حکما، ج ۱۰ نیز هست در عمل، محلی از اعراب ندارد.

سردمداران ج ۱۰ از انواع وسایل برای طرد زنان از عرصه زندگی اجتماعی استفاده می‌کنند و آنان را همچون "بیگاران" تنها در انجام کار های دشوار بی‌حق و حقوق آزادی‌گذراننده زنان و دختران روستائی ما که بخش عظیم نیروی کار در تولیدات کشاورزی و صنایع دستی و خانگی را شامل می‌شوند، با مبتدی ترین روش‌ها و وسایلی قرون وسطائی و پست ترین شرایط محیطی، به بهای صرف جان خود کار می‌کنند. نیروی ارزان زنان کارگر که در زمان رژیم ضد مردمی شاه به بازار کار کشانده شده بود، با حفظ نابرابری‌های



رهبران ج ۱۰. اجتناب ناپذیر بود. پیروزی انقلاب زمینه‌های مساعدی برای آزادی زنان از قید پشداوری‌ها و نابرابری‌های اجتماعی به ارمان آورد. با آنکه کمبودها و نارسائی‌های جدی در مورد حقوق زنان در قانون اساسی ج ۱۰ دیده می‌شود، اما نه تنها همین اصول نیز به مرحله اجرا در نیامده بلکه سردمداران ج ۱۰، احکامی را برمسند عمل می‌نشانند که درست نقطه مقابل آن است.

انقلاب پر شکوه مردم ایران، رفع هرگونه نابرابری اجتماعی و اقتصادی، از جمله محو ستم مضاعف بر زنان را در دستور کار دولت انقلابی قرار داد. دولت ج ۱۰ می‌بایست "برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او زمینه مساعد فراهم آورد" و "با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید". اصل مسلم و پذیرفته شده "آزادی انسان

گذشته، زیر ضربه بی‌رحمی‌ها و اخراج‌های بی‌رویه و خود سرانه قرار گرفته است. موقعیت شغلی زنان در آموزش و پرورش، خدمات پزشکی و سایر خدمات اجتماعی شدیداً مورد تجاوز همه جانبه ارتجاع است.

به رغم تبلیغات ارتجاع حاکم (و تأکید قانون اساسی) نه تنها زمینه‌های مساعدی برای جبران عقب افتادگی و امکان رشد شخصیت زنان به وجود نیامده بلکه تضییق و فشار مضاعف قانونی گردیده است. برخورد ج ۱۰ با مقام اجتماعی زن کلا در محتوی، شکل و سمت آن با جامعه انقلابی ما بیگانه است.

آگاهی انقلابی زنان، دستاورد تجربه عینی آنان است. نه عوام فریبی‌های دانشمندان مسئولین و نه یورش و سرکوب دشمنان مردم قادر به شکستن مقاومت و عزم راسخ زنان در کسب شخصیت واقعی برای خود نیستند.



تحولات طبقاتی در

سرمایه‌داری بوروکراتیک مهیا می‌کرد.

در سال‌های پس از انقلاب در حالی که دانشگاه‌های ایران بسته به بهترین روشنفکران انقلابی در جنگ شهید می‌شدند، یا در روستاها و در دور افتاده به سازندگی می‌پرداختند، و در حالی که بخشی از بهترین و متخصص‌ترین روشنفکران، متخصصین و مدیران انقلابی، به جرم دگراندیشی می‌شدند دستگیر و دولتی از بستگان تجار و روحانیون بزرگ و نیز از فرصت‌طلبان نواسلام، انباشته می‌شد. این نخبگان تنها به سرعت صف‌های خود را آراسته اغلب آنان با پیوند های گوناگون مشروع و نیمه مشروع و نامشروع به جریان تولید و سرمایه داری، وابسته بودند و یا به زودی وابسته شدند و از این طریق به گر ثروت برداختند. در میان آنان برخی گروه‌ها هویت سیاسی روشن داشتند؛ گروهی از حاجی زاده و بستگان و دستیاران بازاریان و سرمایه‌داران؛ گروهی عوامل و واسطه‌های مستقیم آنان در سوء استفاده از امکانات دولتی بودند. گروه کثیری از حجتیه‌گرایان، توابین و فعالین حجتیه، که روی موج گستاخ‌نویزی‌های ارتجاعی دستگاه دولتی را پسر می‌کردند:

" ما هنوز پدیده نفوذ فرصت‌طلبان امروز و سازشکاران دیروز را داریم اینان برای پوشاندن سوابق خویش معیارها را عوض می‌کنند... این‌ها که نفوذ در آموزش و پرورش و اعمال به ظاهر مکتبی و حزب‌اللهی باعث رنجش ره افراد مؤمن و لایق شده و به عکس به تالیق‌ها فرصت عمل داده‌اند... (چراغی - نماینده دامغان - ص ۱۰۰ - آبان ۶۱)

اما جریان مهتر، خلیل افراد فرصت‌طلبی بود که همواره به سوی قطب قد جذب می‌شوند. اینان که در میان آنها تحصیل کردگان غرب‌گرای دانشگاه آمریکا و اروپا فراوان بودند، اغلب با اسلام نمایی غلیظ، اهرم‌های کلیدی دولتی را اشغال می‌کردند:

" کسانی که فرصت‌طلبانه می‌آیند و از برخورد احیاناً سطحی و قشری، یا مسایل دینی استفاده می‌کنند... به شعائر مذهبی پایبند بودن بسی خبی است و حتی اگر این ملاک بشود، به سرعت بدترین عناصر می‌آیند و در بیجا موقعیت‌ها خودشان را جا می‌زنند... آدم‌هایی که بیشتر بی‌شخصیت هستند زودتر خودشان را با هرقالی که سازگار باشد وفق می‌دهند (خوشبینی‌ها - کیه ۱۳ مرداد ۶۱)

این گروه‌ها به سرعت با بقایای سرمایه داری بوروکراتیک وابسته در آمیختند بورژوازی بوروکراتیک نوین را به وجود آوردند.

دو شاخص اصلی پیدایش بورژوازی بوروکراتیک

دو شاخص اصلی پیدایش شتابان بورژوازی بوروکراتیک، نخست رواج چشم بازار اختلاس و ارتشاء سازمان یافته به وسیله باند های گسترده، و دوم گرایش نیرومند به راه رشد سرمایه‌داری و گسترش مناسبات با اردوگاه امپریالیسم در دولتی بود. (کیه - انقلاب‌های رهایی بخش‌های دوران معاصر - کیه پروتئس - صفحات ۸۴ - ۷۸)

حزب توده ایران نخستین نیروی سیاسی و انقلابی در مین ما بود، که سرمایه‌داری بوروکراتیک نوین را به مثابه یک نیروی نییافتنی ضد انقلابی افشاساز خطرات آن را برای انقلاب یادآور شد.

" سرمایه داری نوین بوروکراتیک، آفت بسیاری از انقلابها بوده است... تحلیل داخلی حزب توده ایران - شماره ۷۶ - ۱۹ دی ۶۱)

نیروهای راستگرا و تسلیم طلب در حاکمیت نیز که در جستجوی کادر و مدیر سازمانگر حلقه به گوش بودند، تنها از این جریان جلوگیری نکردند، بلکه خود نیز از مجاری رسمی و نیمه رسمی سازمانگر آن شدند، تا از میان این مدیران نسبی کیسه جیره‌خوار فرمائیدار، دار و دسته خود را سازمان دهند. بنابراین آماری که نخست وزیر ارائه داده است، دستگاه دولتی متکی به ۶۰۰۰ مدیر است که سالهای انقلاب " تربیت " شده‌اند. نخست وزیر ادعا می‌کند که " این ۶۰۰۰ مدیر را با خون تربیت کردیم. به پایش خون ریختم " (ص ۱۰۰ - ۸ شهریور ۶۲) اما واقعیت این است که اکثریت قاطع این مدیران، دست پروردگان و تربیت شدگان نظام پیشین، غرب‌زدگان ریشدار، فرصت‌طلبان بی‌ریشه‌ای هستند، که به همه می‌آیند، چه آنکه دستگاه اجرایی و سازندگی انقلابی را سازمان دهند. کیه رسوایی این دستگاه به آنجا کشیده است که نخست وزیر ناگزیر است گوشه‌های ماجرای " تربیت باخون " را از تریبون مجلس فاش کند: حاکم شرم‌شهر دست

" راه توده " برای آشنایی بیشتر خوانندگان خود با نظام فئودال پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران طی سلسله مقالاتی به تشریح این نظام پرداخته است. در مقالات گذشته بررسی آداب‌های انقلاب بهمن و درجه تحقیق آنها، و برخی تحولات طبقاتی در جامعه ایران را به پایان رساندیم و در ادامه این بحث دیگر تحولات طبقاتی افراز و شب انقلاب، چرخش به راست حاکمیت و دلایل آن، ترکیب کوهی حاکمیت ج ۱۰ و وظائف حزب ما را از دیدگاه پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران بررسی خواهیم کرد.

پیدایش و رشد بورژوازی بوروکراتیک نوین

در قطعنامه پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است: " حاکمیت نوین " با آنکه تحت تأثیر جو انقلابی، اقداماتی را در زمینه دگرگونی دستگاه دولتی به ارث رسیده از رژیم گذشته آغاز نمود، ولی این اقدامات به زودی متوقف شد و در مجموع دستگاه دولتی تقریباً دست نخورده باقی ماند. حال آنکه بدون تبدیل دولت به عامل پیشرفت اجتماعی - اقتصادی و بدون دموکراتیزه کردن دستگاه دولتی، تداوم انقلاب امکان پذیر نبود " (اسناد پلنوم هجدهم - ویژه نامه " راه توده " - ص ۷)

برای دگرگونی بنیادی دستگاه دولتی لازم بود که هم ساختار دستگاه دولتی بر مبنای انقلابی نوسازی شود و هم نیروی انسانی شاغل در بخش دولتی تصفیه و بازآموزی شوند.

حاکمیت در زمینه تغییر ساختار دستگاه دولتی هیچ اقدام قابل توجهی به عمل نیاورد. نیاز شدید انقلاب به گردش شتابان و انقلابی امور در برخی زمینه‌ها، موجب پیدایش " نهاد های انقلابی " شده که در سال‌های نخست کم و بیش با آهنگ انقلاب حرکت می‌کردند، و در برخی از آنها، برای نمونه هیأت‌های هفت نفره تقسیم زمین و جهاد سازندگی، جو انقلابی حاکم بود. با توقف و برگشت انقلاب، ضوابط و قانونمندی های حاکم بر دستگاه دولتی در این نهادها نیز رواج یافت. هیأت‌های هفت نفره به تدریج دلایل وجودی خود را از دست می‌دهند و جهاد سازندگی به وزارتخانه جدیدی تبدیل شده است. در زمینه پاکسازی دستگاه دولتی، به ویژه یکی دو سال نخست انقلاب اقداماتی انجام گرفت. اما این اقدامات برای براندازی پدیده فاسد و فساد پروری که بورژوازی بوروکراتیک نامیده می‌شد، هرگز کفایت نمی‌کرد. بورژوازی بوروکراتیک، گروه‌هایی از کارمندان کشوری و لشکری در دستگاه دولتی اطلاق می‌شود که با سوء استفاده از موقعیت خویش به گردآوری ثروت می‌پردازند، و از این طریق در حفظ و رشد نظام سرمایه‌داری انجمن ذینفع می‌شوند که به عنوان مدافعان و نگهبانان سرخست این نظام در دستگاه دولتی عمل می‌کنند.

در نظام ستشاهی، بخش بزرگی از کارمندان کشوری و لشکری با همین مکانیسم به سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ وابسته تبدیل شدند. در عین حال دستگاه دولتی زمان شاه انباشته از فرصت‌طلبان کهنه کار و تحصیل کردگان غرب‌گرای اروپا و آمریکا بود، که اگر چه هنوز فرصت ارتقا تا سطح سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ را پیدا نکرده بودند، اما گرایش بسیار نیرومندی در این راستا داشتند. پاکسازی های انقلاب، تنها بخش بالایی بورژوازی بوروکراتیک را هدف قرار داد. بسیاری از مهره‌های تصفیه شده، نیز بعدها دوباره به خدمت گرفته شدند. بوروکرات‌های تربیت شده در نظام ستشاهی، در ارتش و دستگاه‌های سرکوبگر اطلاعاتی، در نهاد های اقتصادی مهم چون سازمان برنامه و بودجه، سازمان گسترش صنایع و وزارت دارائی امروز نیز اهرم‌های اصلی اجرایی را در اختیار دارند. برخی از آنان در توطئه‌های براندازی شرکت داشتند. اکثریت قاطع آنان پشتیبان گروه‌های مختلف سازشکاران (دولت موقت - گروه بنی‌صدر حاکمیت کنونی) برای مسخ انقلاب و سازش با امپریالیسم و ارتجاع داخلی بودند. در سال‌های اخیر اکثریت قاطع افرادی که از کار در دستگاه دولتی اخراج می‌شدند، نه سرسپردگان شاه، بلکه نیروهای انقلابی پیگیر بودند. برای نمونه بیش از ۹۰٪ از بیست هزار آموزگار و دبیر که از وزارت آموزش و پرورش اخراج شدند، وابسته به نیروهای انقلابی، به ویژه پیروان سوسیالیسم علمی بودند. نزول فاجعه آمیز کیفیت آموزش دیستانی و دبیرستانی یکی از ثمرات این تصفیه‌های ضد انقلابی بود. اخراج نیروهای انقلابی از دستگاه دولتی، خود زینت را برای شکل گیری دوباره

طبقه کارگرو انقلاب ملی و دمکراتیک بهمن

در قطعنامه پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است:

توده‌های زحمتکش و به ویژه پرولتاریای صنعتی ایران در جریان جنبش انقلابی، خواست‌های صریح اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود را مطرح کردند. روند جنبش انقلابی نشان داد که توده‌های میلیونی شرکت‌کننده در انقلاب فقط برای تغییر روینای سیاسی مبارزه نکردند، بلکه خواستار دگرگونی زیربنای هم بودند. ولی هیئت حاکمه نتوانست و نخواست مسئولیت سیاسی اجتماعی که در برابر توده‌های زحمتکش به عهد گرفته بود، اجرا کند. انقلاب، علی‌رغم کوشش پیگیر حزب توده ایران و دیگر نیروهای مدافع آرمانهای توده، محروم در مرحله سیاسی متوقف شد و نتوانست به انقلاب اجتماعی فرا رویسد.

انقلاب ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و دمکراتیک به استناد اقرون وسطایی برای احیای نظام سرمایه‌داری وابسته انجامید (اسناد پلنوم هجدهم - ویژه نامه "راه توده" - ص ۷)

در توضیح این حکم، نقش و جایگاه طبقه کارگر در تحولات پنج ساله پس از انقلاب بررسی می‌کنیم.

طبقه کارگر ایران در آستانه انقلاب به قدرت چشمگیری دست یافته بود. رشد سریع سرمایه‌داری وابسته در دهه ۴۰ و ۵۰ و به خصوص پس از سال ۱۳۵۲ با تکیه بر درآمد عظیم نفت، به تجزیه طبقات و رشد بیش از پیش طبقه کارگر انجامید.

مطابق آمار سال ۱۳۵۵، تعداد کارگران ایران را در تمامی رشته‌های تولیدی و خدماتی در حدود ۵ میلیون نفر می‌توان دانست. از این بین بیش از نیم میلیون نفر به عنوان کارگر صنعتی در رشته‌های صنایع و معادن و برق اشتغال داشتند.

در کنار این قدرت کمی، نقطه ضعف چشمگیر طبقه کارگر، جوانی طبقاتی بخش مهمی از آن بود. بسیاری از جوانان روستایی و پیشهور که در طول این سالها به این طبقه پیوسته بودند، چه از لحاظ مادی و چه معنوی، تعلقات نزدیکی و عمیقی با خاستگاه خود داشتند.

این توده جوان، بیش از هر چیز نیاز به آن

بقیه در صفحه ۴

"سود ویژه"، حق کارگران است!

هر سال، با نزدیک شدن پایان سال دلنبره کارگران شدت می‌گیرد.

کارگران می‌پرسند: آیا امسال سود ما را می‌دهند؟ آیا آنقدر می‌دهند که بتوانیم گوشه‌ای از دردهای درمان نشدمان را مداوا کنیم؟ یا آنکه باز امسال هم نخواهیم توانست

قانون سهیم شدن کارگران در سودکار - خانات، یکی از مواد "انقلاب ملوکانه" بود که از اوایل سال ۴۳ به اجرا درآمد.

ادعای رژیم شاه این بود که بدین ترتیب کارگران در سود خانات شریک می‌شوند و پس آن طور که بعداً گفته شد، کارگران در ازای تولید بیشتر سود بیشتری دریافت می‌کنند.

ولی در حقیقت، این مبلغ بخشی از دستمزد کارگران بود که تحت نام سود ویژه پرداخت می‌گردد.

یعنی به دلیل تورم شدید سالهای ۵۷-۱۳۵۲ و پایین بودن دستمزدها، کارگران به هیچ وجه قادر نبودند، بدون دریافت سود ویژه، زندگی

بخور و نمیری داشته باشند.

کارفرما، هرماه بخشی از دستمزد کارگران را کسر می‌کرد و آن را در پایان سال، آن هم با شروطی به آنها پس می‌داد و وقتی هم برسر آنها می‌گذشت این کار چه نفعی برای کارفرما داشت؟

- بدین وسیله، این بخش از دستمزد کارگران جزو دستمزد ثابت آنها به حساب نمی‌آمد و حقی در دریافت همیشگی آن برای کارگران ایجاد نمی‌کرد.

کارفرما می‌توانست هر هنگام که لازم ببیند، آن را قطع کند یا کاهش دهد.

- این مبلغ در محاسبه اضافه کاری، باز - نشستگی، غرامت از کار افتادگی و . . . وارد نمی‌شد.

- چون مبالغ کم شده از دستمزد واقعی کارگران در آخر سال، یک جا به آنها پرداخت می‌شد، مسئول مالیات بیشتری می‌گردد.

کارفرما با استفاده از این بخش پرداخت نشده دستمزدها، می‌توانست در طول سال بهره زیادی ببرد.

از این رو، "سود ویژه" و مسائل مربوط به بقیه در صفحه ۳

سوانح صنعتی در کارگاه‌ها بیداد می‌کند

پائین ترین میزان سوانح صنعتی و بیماری‌های حاصل از محیط کار در جهان داراست. یکی از علل دستیابی به چنین موفقیتی، وجود و تلاش همه جانبه، تشکیلاتی مستقل کارگری و سندیکاهای کارگری در اتحاد شوروی است.

حال به شرایط کار در ۱۰۰ نظر بیاوریم و از صادر امور شاهد بیاوریم:

احمد سپاهپوش، معاون وزیر کار و امور اجتماعی در امور نظارت بر روابط کار، طی مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی می‌گوید:

"در کشور ما به طور متوسط، در هر سال حدود ۱۵۰۰۰ حادثه ناشی از کار اتفاق می‌افتد که البته این تنها مربوط به آن دسته از کارگاه‌هایی است که زیر پوشش سازمان بیمه‌های اجتماعی قرار دارند. بنابراین حوادث بسیار زیادی نیز در کارگاه‌های غیر مشمول این سازمان رخ می‌دهد که ما از آنها بی‌اطلاعم و این حوادث در رقم بالا منظور نشده است" (کیهان ۱۲/۸/۲۴)

بقیه در صفحه ۲

سوانح محیط کار یا آن طور که در دنیا مرسوم است، سوانح صنعتی، یکی از شاخص‌های مهم شرایط کار و کارگری بوده است که میزان آن به نوبه خود انعکاسی از درجه رشد عدالت اجتماعی و مردمی بودن نظام حاکم بر جامعه است. به عنوان مثال می‌توان وضعیت سوانح صنعتی را در دو قطب نیای کنونی در آمریکا و شوروی مقایسه کرد.

مطابق اطلاعات سازمان جهانی کار، در دهه اخیر در آمریکا، سوانح صنعتی ۲۳٪ افزایش یافته است. در این کشور سالانه ۲ میلیون سانحه صنعتی ثبت می‌شود که از این تعداد ۱۶۰۰۰ مردانه فوت منجر می‌شود. باید اضافه کرد که در کشورهای اروپای غربی نیز میزان سوانح صنعتی و بیماری‌های حاصل از محیط کار در همین سطح قرار دارد.

از طرف دیگر در اتحاد شوروی در طول ۵ ساله اخیر، سوانح صنعتی به میزان ۲۴٪ و بیماری‌های حاصل از محیط کار به میزان ۲۶٪ کاهش یافته است. اتحاد شوروی از این نظر

کارگران! به صفوف حزب خود، حزب توده ایران پیوندید!

طبقه کارگر و انقلاب ملی و ...

بقیه از صفحه ۱

داشتند که تجربه مبارزاتی و آگاهی طبقاتی قوام یافته نسل گذشته به آنها منتقل نشود . خفقان حاکم بر جامعه در دوران ستمشاهی که با سرکوب شدید و طولانی طبقه کارگر و جنبش پشاهنگ آن، حزب توده ایران، همراه بود و تحمل سندیکاها و زرد توسط رژیم شاه، موجب شد تا این انتقال تجربه و آگاهی بسیار به کندی و به صورتی ناقص انجام گیرد . بنابراین عامل عمده در شکل دهی آگاهی صنفی و طبقاتی کارگران به تجربیات ملموس روزمره و مبارزات خود به خودی محدود می شد . این امر نفوذ عناصر و سازمانهای غیر پرولتری را در میان این طبقه تسهیل کرد و موجب شد تا این نیروها بتوانند در آینده طبقه کارگر و انقلاب ایران نقش منفی قابل توجهی ایفا کنند .

نقش طبقه کارگر در انقلاب بهمن

طبقه کارگر همراه با دیگر طبقات و اقشار در جنبش ملی - دمکراتیک علیه نظام سرمایه - داری وابسته شرکت جست . با اعتلای جنبش نقش و جایگاه طبقه کارگر مشخص تر و موثرتر می شد . به طوری که در مراحل نهایی ، در فاصله مهر تا بهمن ۱۳۵۷ ، پرولتاریای صنعتی با دست زدن به اعتصابات گسترده و سراسری ضربه مهلکی به رژیم شاه وارد آورد . در این مرحله ، کارگران با خواستههای مشخص صنفی - سیاسی در مبارزه شرکت می کردند .

" در شرایط کنونی کارگران ایران مبرمترین مطالبات صنفی خود را به شکل زیرین مطرح می کنند: حل مسئله مسکن برای کارگران ، محدود ساختن روزکار در سراسر کشور به هشت ساعت در روز و چهل ساعت در هفته ، لغو کار کودکان کمتر از ۱۴ سال ، جلوگیری از واگذاری کارهای شاق به زنان ، اجرای اصل دستمزد مساوی در برابر کار مساوی ، تعیین حداقل دستمزد بر پایه هزینه های لازم مادی و معنوی خانواده های

کارگری ، ولی کارگران و زحمتکشان ایران که طبقه پیشرو و مولد ثروت هستند ، با آن مقام اجتماعی و سوابق طولانی انقلابی ، فقط بسه مبارزات صنفی و سندیکایی بسنده نمی کنند . کارگران و زحمتکشان خوب درک می کنند که بدون مبارزه سیاسی برای برانداختن رژیم ضد ملی و استبدادی محمد رضا شاه مبارزه صنفی و سندیکایی آنها نیز نمی تواند به هدف برسد " (از پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت روز کارگر ۱۳۵۷)

اعتصاب های کارگری کمک زیادی در جهت ایجاد تشکل های طبقه کارگر نمود . کمیته های اعتصاب که در این مرحله تشکیل شد تسد ، در بسیاری از موارد هسته های شوراهای آتسی کارگری بودند .

حزب توده ایران تمام تلاش خود را در این دوره به کار برد تا طبقه کارگر به آگاهی طبقاتی و تشکل های صنفی مستقل و انقلابی جهت پیشبرد انقلاب دست یابد . اعلامیه های متعدد دکمیته مرکزی حزب و ۷۶ شماره نوید که تا زمان پیروزی انقلاب انتشار یافت ، موبد این گفته است .

در حالی که رهبری غیر پرولتری جنبش برای آگاهی عمیق کارگران ، سازمان یافتگی آنها و اراده مستقل توده ها ارزشی قابل نبود ، حزب توده ایران تنها سازمان سیاسی بود که لزوم ایجاد یک استخوان بندی قوی سراسری کارگری را جهت گسترش منطقی انقلاب ضروری می شمرد و در جهت آن تمام تلاش خود را به کار بست . ولی به دلایلی که در پیش بر شمرده ایم ، طبقه کارگر در مجموع ، تحت تأثیر شدید رهبری غیر پرولتری قرار گرفت و در عمل بوجهه جنبش حسل شد و نتوانست بهر و نشان خود را چنانکه شایسته بود بر آن بزند .

طبقه کارگری از انقلاب

پیروزی انقلاب بهمن در حقیقت پیروزی اولین مرحله انقلاب ملی - دمکراتیک بود . توده

به عبارت دیگر اینکه هر روزه در ایران ، بیش از ۳ دست و ۵۰ انگشت کارگران قطع می شود ، مطلقا برای مسئولین وزارت کار امر مهمی نیست . مسئله اصلی آن است که چگونه از میزان فرامشی که در مقابل به کارگران می دهند ، بکاهند . حتی سیاهپوش تا انجا پیش می رود که از شاه انتقاد می کند چرا در طول سال های ۱۳۴۰ الی ۱۳۵۷ میزان این فرامت را چند برابر کرده است ! افکار هذیان آلود و سیاستهای ضد کارگری حاکمان چ ۱۰ را پایانی نیست . این طبقه کارگر ایران است تا به همراهی تمامی زحمتکشان ایران ارشته این هذیانها و سیاست ها را پاره خواهد کرد .

سوانح صنعتی . . .

بقیه از صفحه ۲

" خسارت " سازمان تأمین خدمات اجتماعی است . او می گوید :

" مطابق آمار سازمان تأمین خدمات اجتماعی ، این سازمان صد ها میلیون ریال فرامت دستمزد ناشی از کار و نقص عضو به کارگزاران پرداخته و خسارتی که این سازمان در طول ۲۰ سال گذشته متحمل شده تقریبا ۴۰ برابر گشته است " (اطلاعات ۲۴ / ۸ / ۶۲)

های مردم توانسته بودند رژیم وابسته شاه را سرنگون کنند و قدرت سیاسی را از چنگ آن بسد آورند . نقش طبقه کارگر در کسب این پیروزی بسیار عظیم بود .

" با اطمینان می توان گفت که در میان نیروهای محرکه انقلاب کنونی کشور ما ، نقش طبقه کارگر قهرمان ایران نقش درجه اول بوده است . این امر خود از ضامن های مهم گسترش پازهم بیشتر انقلاب ملی و دمکراتیک و تعمیق آن در جهت خواست های قشرهای وسیع مردم است " (اسناد پلنوم ۱۶)

متأسفانه با وجود این سهم عظیم ، طبقه کارگر تنها طبقه ای بود که نتوانست در حاکمیت پس از انقلاب نمایندگی داشته باشد . این امر ناشی از همان ضعف عمومی طبقه کارگر یعنی تأثیر نفوذ عناصر و سازمانهای غیر پرولتری در میان این طبقه بود . این امر به عنوان يك عامل مهم در تمامی دوران پس از انقلاب ، تأثیر مهمی در توازن قوا میان جنبه پیشرفت انقلاب ، و جنبه تسلیم و سازش با امپریالیسم و ارتجاع بود .

انقلاب برای بقا نیاز به تدوم داشت . تدوم انقلاب در گرو ارتقا آن به مرحله انقلاب اجتماعی بود . در این مرحله نقش طبقه کارگر به خصوص و دیگر زحمتکشان از اهمیت تعیین کننده ای برخوردار بود .

طبقه کارگر برای آن که بتواند نقش تاریخی خود را در روند انقلاب ایفا کند ، نیازمند آن بود که در سه عرصه اصلی به مبارزه بپردازد :

- ۱- مبارزه ایدئولوژیک حول محور آگاهی طبقاتی .
- ۲- تشکل صنفی و سیاسی مستقل طبقاتی .
- ۳- حقوق صنفی و اجتماعی .

دستاوردهای طبقه کارگر در هر يك از این سه عرصه آئینه زرقش و پیشرفت انقلاب اجتماعی است . با آنکه این سه عرصه به شکل ارگانیک به یکدیگر مرتبط بودند ، ولی به دلایل

متعدد ، در هر يك از مراحل انقلاب ، یکی یا دیگری به نیروی محرك پیشبرنده مبارزه طبقاتی تبدیل می شوند . ولی طبقه کارگر این مبارزه همه جانبه را نه در زمان شاه و در مقابل حاکمیت شناخته شده و مشخص بلکه در زمانی می بایست به پیش برد که اوضاع بسیار پیچیده و متنوعی در جامعه حکمفرما بود . طیف وسیع نیروهای موجود در حاکمیت و موضع گیری های متفاوت آنها در قبال طبقه کارگر ، تلفیق مبارزه ضد امپریالیستی با مبارزه طبقاتی ، خنثی کردن توطئه های دشمنان انقلاب و . . . همه و همه به پیچیدگی و بغرنجی این مبارزه می انجامید .

طبقه کارگر و پیشاهنگ آن ، حزب تسوده ایران ، با عزمی محکم ، به خاطر ایفای رسالت انقلابی و تاریخی خود پای در این صحنه پر مخاطره نهاد .

ادامه دارد

تشکلهای مستقل و سراسری کارگری ضامن نجات دستاوردهای انقلاب است!

ایران در انقلاب بهمن

بخش سوم

دهقانان

دهقانان بی زمین کم زمین و میانه حال که هم اکنون نیز در حدود نیمی از جمعیت فعال کشور را تشکیل می دهند، نقش مهمی در پیروزی انقلاب داشتند. در شهرهای کوچک، دهقانان توده اصلی تظاهر کنندگان انقلابی را تشکیل می دادند. دهقانان در روستاهای اطراف شهرهای بزرگ در روزهای تظاهرات به این شهرها سرازیر می شدند. بخش بزرگی از دهقانان بی زمین و کم زمین که در حاشیه شهرها، در گودها و زانه ها می زیستند، از فعالین زد و خورد های خیابانی ماه های انقلاب و راهپیمایی عظیم پس از پیروزی انقلاب بودند. (ر. ک. د. نیا - شماره ۲ - سال ۵۹ و گزارش هیأت سیاسی به پلنوم شانزدهم - اسناد و اعلامیه ها ص ۵۳)

تأثیر غیر مستقیم دهقانان بر سیر رویداد های انقلاب، از طریق پیوندی که بسا زحمتکشان نیمه پرولتر، کارگران و دیگر زحمتکشان شهرها داشتند، و نیز از طریق پیوند با روحانیون و سیاستمداران مدافع " عدالت اسلامی " که بسیاری از آنان خاستگاه طبقاتی دهقانی داشتند، اعمال می شد.

با گسترش و زرقش انقلاب مبارزه دهقانان نیز اوج گرفت. پس از اشغال جاسوسخانه آمریکا تظاهرات پشتیبانی بسیاری با چهره دهقانان انجام گرفت. پانزدهم زمستان سال ۱۳۵۸، دوره اوچگیری مبارزات دهقانی بود. وزیر کشاورزی دولت موقت، نماینده بازمانده بزرگ مالکان ایران، آماج سنگین ترین حملات نیروهای انقلابی بود. در موارد بسیار دهقانان به ابتکار خود یا به هدایت نیروهای انقلابی پیگیر به صاد رهتقسیم املاک زمین داران بزرگهره شدند. نیروهای انقلابی پیگیر، توده های هفتاد اثنان خلق، مجاهدین خلق از این اقدامات پشتیبانی عملی و در مواردی آنها را رهبری می کردند. برخی از روحانیون نیز آشکارا به حمایت از این اقدامات برخاستند. در فارس که یکی از مراکز مبارزات حاد دهقانی پسنود، آیت الله دستغیب اعلام کرد:

" جوانان و کشاورزان نباید منتظر باشند تا دولت یا هر دستگاهی زمین در اختیار آنان قرار بدهد، و خود باید رأسا در این مورد اقدام کنند و زمین را از دست قنود آنها و زمین داران بایس بگیرند و تحت لوای اسلام به کشت و زرع بپردازند ... " (کیهان، ۱۰/۶/۶۲)

روی این موج تحمق انقلاب، قانون اصلاحات ارضی پیشنهادی استاد رضا اصغهبانی در شورای انقلاب به تصویب رسید. آیت الله منتظری، آیت الله مشکینی و آیت الله بهشتی این طرح را از نظر شرعی تأیید کردند. تا زمان توقف اجسرای قانون اصلاحات ارضی، نزدیک به نیمی از املاک زمین داران بزرگ صاد شده. ۱۰٪ از بیلین زمین ها میان دهقانان بی زمین و کم زمین تقسیم شد. بیش از ۲۰٪ در مالکیت دولت و نهاد های نیمه دولتی (به طور عمده بنیاد مستضعفان) قرار گرفت. تکلیف قطعی مالکیت بقیه این زمین ها (یک میلیون هکتار - به گفته نخست وزیر - اطلاعات ۲۳ آبان ۶۲) که به طور موقت از سوی شورا های کشت و در بسیاری موارد به صورت مشاع در اختیار دهقانان گذاشته شده است، هنوز روشن نیست. دهقانان بهره مالکانه این زمین ها را هنوز به حساب خصوم دادستانی انقلاب وارث می کنند. (اطلاعات، ۱۹ دی ۶۱)

نقش زمینداران متوسط و کوچک

در آستانه انقلاب افزون بر ۹۵۰۰ زمین دار بزرگ (مالک بیش از ۱۰۰ هکتار زمین - آمار سال ۵۳ کیهان، آبان ۶۰) که بیش از ۳/۵ میلیون هکتار از بهترین زمینها را در اختیار داشتند، چند ده هزار زمین دار متوسط (مالک ۱۰-۵۰ هکتار زمین) و زمین دار کوچک (مالک ۵-۳۰ هکتار زمین) نیز مالک نزدیک به ۳ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی بودند. زمین داران متوسط و کوچک که اراضی خود را یا شیوه های بورژوازی - فئودالی کشت می کنند و یا بورژوازی تجاری و مستغلات داران شهری پیوند های منتهی دیرینه دارند، همراه با دهقانان ثروتمند و مرفه پایگاه نسبتا گسترده ای برای پیروزی روستایی ایران فراهم می آورند.

رژیم شاه، حمایت اقتصادی خود را به طور عمده متوجه زمین داران بزرگ کرد. بانک توسعه کشاورزی (صندوق توسعه کشاورزی سابق) وام های کلان بیش از

ان طی سالهای پس از انقلاب، چندین هزار قطعه زمین را میان نظر کردگان و پشمی های دستگاه بوروکراتیک - نظامی تقسیم کرده است. در جریان نیضاح وزیر کشور فاش شده که رقم واقعی - که ابتدا یازده هزار اعلام شد - بیست و یک قطعه زمین بوده است. فهرست اساسی دریافت کنندگان زمین تحت عنوان " تعاونی سحر " از سوی مخالفین دولت انتشار یافت. اساسی بخش بزرگی از روزا - ایران و نخبگان جمهوری و از جمله دو تن از نامزد های اخیر وزارت در این رست به چشم می خورد. اگر قیمت هر قطعه زمین را فقط نیم میلیون تومان اسبه کنیم روشن می شود که یک قلم میلیارد ها تومان رشوه برای " تربیت مدیر خون " پرداخت شده است. این ارتشا سازمان یافته چگونه شکل گرفته است؟

نخست وزیر توضیح می دهد:

" به خاطر اینکه آن موقع نیروهای روشنفکری، روی نمی آوردند به خاطر سربالشتان (؟) به سمت روزنامه ج ۱۰. برای عدای " نامه آمده که آیا شما ن نمی خواهید، احتیاجی ندارید، شما به مسکن نیاز ندارید. خوب تیب هتضعف هستند ... می گویند چرا نمی خواهیم (سخنرانی نخست وزیر در لس - ص ۱۰-۸ شهریور ۶۲)

روشن است که اساسی چندین هزار روشنفکر (تحصیل کردگان غرب گرای ارضای آمریکا)، و " خجالتی " (فرصت طلب) و " مستضعف " (پهل پرست و و خوار) جز از طریق مجاری رسمی و حزبی در سطح رهبری حزب ج ۱۰ نمی نسته است. در اختیار حاکم شرع شهرداری تهران قرار گیرد. چنین است ستان " تربیت مدیر " یا رشوه و یا زمین!

گسترش فساد و اختلاس در دستگاه دولتی که یکی از شاخص های پیدایش ژوازی بوروکراتیک است، اینک پدیده شناخته شده است. علاوه بر ماجرای تعاونی سحر، استیضاح وزیر کشور، بازرسی در بنیاد مستضعفان و سازمان ست تبریز و ... نمونه های درشت دیگری را بر سر زبانها انداخته است. بوروکرات های راستگرا و غرب گرا امروز در حزب ج ۱۰، و از این مجنرا در ستگاه دولتی و در هیأت دولت، اهرمهای نیرومندی در اختیار دارند. انسان اتحاد با حجتیگرایان، و جناح بازاری در حزب و دولت، رهبری دستگاه رای را در اختیار دارند. گروهی از رهبران بورژوازی بوروکراتیک نویسن در بجمهری اسلامی و دولت، در اطراف نخست وزیر و گروهی در اطراف وزیر رجه گرد آمده اند. اما نیروهای اصلی از طریق فعالین جناح دکتر آیت در بیج ۱۰، که اغلب مریدان و شاگردان قدیم آیت الله کاشانی و دکتر بقایی انی محسوب می شوند (جاسبی - زوارهای)، زیر پرچم رئیس جمهور گسرد مانده. همین تحولات در دادستانی های انقلاب و در ده های بسا لای انده ان سپاه و ارتش در جریان است. این رهبران نهای بورژوازی بوروکراتیک، بیعت اقتصادی و سیاسی برنامه ریزی و نظارت بر باز سازی نظام کلان سرمایه - ری و زمین داری بزرگ وابسته را به عهده دارند.

سیاست اقتصادی دولت، که برنامه پنجساله اول خطوط ایسای آن را ترسیم ده است - آئینه گرایشلی بورژوازی بوروکراتیک نوین به راه سرمایه داری و نیم مناسبات وابستگی آمیز با اردوگاه امپریالیسم است. در این برنامه سهم ش خصوصی برای سرمایه گذاری در صنعت و معدن، نسبت به زمان شاه ۲ درصد زایش یافته است. تجربه نشان داده است که بخش اعظم این سرمایه گذاری ها رف توسعه صنایع مونتاژ و تولید کالا های مصرفی کم دوام می شود. (راه توده ماه ۵۹)

فعالیت بخش دولتی در صنعت در اساس حفظ و بازسازی وضع موجود - باز تولید تصاد وابسته - است. مهم ترین طرح های در دست احداث دولت، ادامه کاری وژه های پیر خورج و وابستگی آفرین رژیم شاه (پتروشیمی ایران و ژاپن - فولاد ازی مبارکه ایران و ایتالیا - خود رو سازی ایران - تالبوت انگلیسی) است.

در بخش کشاورزی بورژوازی بوروکراتیک با تسلیم به منافع زمین داران، راه سد پیران اقتصاد کشاورزی را برگزیده است. افزایش بی سابقه و واردات صمولات کشاورزی و مهاجرت توده های روستائیان تهیدست از توده های این سران است. در برخی زمینها، از جمله در زمینه حدود و دامنه فعالیت بخش ولتی، هنوز میان بوروکرات های غرب گرا، و نمایندگان کلان سرمایه داران توافق مل پدید نیامده است. اما در مجموع بورژوازی بوروکراتیک در اساسی ترین سطوط، منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان را دنبال و برآورده می کند.

بیدادگاههای ج.ا.، بر اساس مدارکی...

بقیه از صفحه ۱۰

اجتماعی برای " مستضعفین " را نه به معنای بازگذاشتن دست کارفرمایان و میدان دادن به بخش خصوصی و " بازار " نه به معنای بیرون راندن هزاران دهقان محروم و زحمتکش از زمین خود، نه به معنای تحمیل ویرانی ها و ناپسلفانی های جبران ناپذیر ناشی از جنگ، نه به معنای گرانی، نه به معنای احتکار، نه به معنای سرپناهی و ۰۰۰ درک و تلقی می کنند، به محاکمه کشیده شده اند. آنان به جرم مخالفت و ناسازگاری با سیاست های اسارت آور آزادی - کش و نافی عدالت اجتماعی ای که سردمداران ج.ا. در پیش گرفته اند، محکوم می شوند. آنان به خاطر آنکه عقاید، نظرات و اندیشه های جز آنچه حاکمان ج.ا. دارند و مجاز می شمرند، محکوم اند البته پرونده سازی آشکار و محاکمه بر اساس چنین " جرائم "، اعتراض و نفرت گستردتر و یکپارچه همگان را برمی انگیزد، از این رو صحنه گردانان این نمایش شوم، یک سره خدمات و آرمانهای میهن دوستانه آزادخواهان و عدالت جویان، خوب توده ایران را زیر پرده " سیاه خیانت و جاسوسی " کشانند و پایه ها دعا ها، استدلالات و دلایل خود را بر باور هسلای مذہبی و اعتقادات شخصی توده ها، استوار ساختند و هر جا که دیگر نفی واقع امر ممکن نبود، و هر جا که صداقت و خلوص پیروی از آرمانهای مردمی آنان انکار ناپذیر بود، به حربه " دین "، " پرورد "، " مذہب "، " نیروی " اسلام " متوسل شدند و " متهمین " را " سر جای خود نشانند ".

دفاعیات دادستان حکام ج.ا. از کیفر - خواست خود، تماما با چنین مضمونی تنظیم شده. او با صدور احکامی چون: " شعارهای عدالت اجتماعی اسلام، در بر گیرنده عالی ترین مضامین است. "، " ۰۰۰ حزب توده که اهدافش مشخص است که ضد اسلامی ست. "، " بهترین پناہگاه برای مستضعفین و مظلومین، اسلام و روحانیت است. " ۰۰۰ نه حزب توده، " تمامی گذشته، خدمات و آرمانهای حزب توده، ایران را نفی می کند. " و از این رهگذر " خیانت " و قصد " براندازی " اعضا را نتیجه می گیرد. اینکه افسران میهن دوست و برخسای از فعالین حزب توده، ایران را تنها به جرم داشتن عقیده ای جز آنچه که رهبران ج.ا. می پسندند، دستگیر و مجازات می کنند، امری نیست که تنها از خلال گزارشات ناقص جریان برگزاری بیدادگاهها بتوان دریافت. آیت الله مشکینی با زیرپا گذاشتن قانون اساسی ای که روزی خود را مدافع آن اعلام می کرد، چند روز پس از یسورش خونین به حزب توده، ایران و پیش از آنکه موارد جرم و کیفر خواست روشن شده باشد، در نماز جمعه اعلام کرد:

" یک جمله و سخنی با برادران عزیز ۰۰۰ برادران محترم ۰۰۰ بایسد در اینجا قاطعیت به خرج دهید ۰۰۰ زیرا آنها با خدای ما ضدند. " بیش از همه کس ضد خدا را، بیشتر دشمن داریم ۰۰۰ " (ج.ا. ۲۴ اردیبهشت) . و در همین روز، آقای صانعی، دادستان تصریح می کند:

" هنوز کیفر خواست صادر نشده است و احکام ابتدا در مجلس تصویب شده و آنها محارب هستند ۰۰۰ " ! (ج.ا. ۲۴ اردیبهشت) . این نکته را هم چنین، می توان از گفتار صریح و خود افشاگر حجت الاسلام ری شهری، هنگامی که آغاز یورش آشکار به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را اعلام کرد، به روشنی دریافت: " حجت الاسلام ری شهری در مورد اهداف مشترک چریکهای فدائی خلق اکثریت و حزب توده گفت: همسوئی آنها با یکدیگر حاکی است، منشاء فکری و علمی آنها از یکی ناشی می شود و این همسوئی برای غیرقانونی

پیشاپیش " متهمین " را به مثابه مجرم کافر، محکوم می کرد. آقای دادستان سخنان آیت - الله خمینی را که گویا باید در حکم قانون تصویب شده و از " توضیح " شورای نگهبان گذشته تلقی کرد و چون " امری مطاع " که حدود و شمولش بی انتہاست دانست، در برابر دفاع " متهمین " از آرمانهای عدالت جویانه خود تراسر می داد و آنها را متکوب می ساخت تا آنجا پیش رفت که گردن نهادن یا استکفاز این سخنان را معیار " انقلابی " و ضد انقلابی بودن می خواند:

" اگر شما انقلابی هستید، چرا پیام رهبر انقلاب را گوش ندادید؟ "

آقای دادستان که تاریخ را به قبیل از پیام آیت الله خمینی و بعد از پیام او تقسیم می کند، به عنوان کسی که قدرت ستاندن داد محرومان به او تفویض شده، باید بداند برپایه چنین استدلالی، پیش از آنکه افسران میهن دوست و فعالین حزب توده، ایران بر جایگاه " متهمین " نشانده شوند، باید مجموعه هیئت حاکمه ج.ا. را محاکمه و محکوم کرد. زیرا آنان نیز، به طور یکپارچه پیام های دیگر آیت الله خمینی را - در روزگاری که هنوز نسبت به حمایت محرومین، نه حمایت قرب



نیاز احسان می شد - از جمله: " سند، دستهای پینه بسته " دهقانان است " زیرا پا گذاشتند و مطلقا به آن وقعی ننهادند. "

روشن است که چنین " دادگاهی "، با این ویژگیها، اهداف و رسالت، مطلقا قادر نیست سود و صلاح مردم محروم و آرمانهای انقلاب را در نظر گیرد. از این رو این محاکمات فرمایشی، نزد هر کس که نسبت به موازین انسانی، اخلاقی، قانونی و حقوقی ذمہای تعهد ویای - بندی داشته باشد، فاقد ارزش و اعتبار و محکوم است.

اعلام شدن این سازمان، کافی به نظر می رسد ۰۰۰ (اطلاعات ۲ بهمن) . از نظر حکام ج.ا. داشتن عقیده ای مستقل یا حفظ و رعایت احترام نسبت به آراء و باورهای مذہبی توده مردم، " ضدیت با اسلام " تلقی می شود و سزاوار شد یدترین مجازات هاست! این حکم هنگامی که زیر عنوان " فرمان آیت الله خمینی نوشته می شود، قطعیت تخیر ناپذیری کسب می کند. در کیفر خواست تنظیمی دادستان بیدادگاههای نظامی ج.ا. ۲۴ اردیبهشت از " اسناد " و " مدارک " غیرقابل انکاری بود که

در هفته ای که گذشت:

تامین خواست مردم

اعمال سیاست امپریالیسم؟!

در هفته گذشته ، حکام ج ۱۰ و نیز جامعه جمعه و جماعات در سخنرانی ها ، گفتگوها و مراسم نماز جمعه در رابطه با " مسئله جنگ " ، مضمون جدیدی را مطرح و تکرار کردند که از قصد سیاستگزاران ج ۱۰ مبنی بر پایان دادن به جنگ حکایت می کرد . آنان با تأکید اعلام کردند که :
 " ما می خواهیم جنگ را تمام کنیم و کسار را یکسره " نمائیم " (رئیس مجلس - اطلاعات اول بهمن) .

بی شک ناراضی گسترده و اعتراضات مردم که در زیر فشار اثرات و پی آمد های طاقت فرسا و ویرانگر این جنگ غیر ضرور به جان آمده اند ، قطعی ترین نقش را در تبیین این تصمیم داشته است . آنان به حق از ادامه جنگی که تنها به سود امپریالیسم و سرمایه داران بزرگ و عمال ارتجاع است به تنگ آمده اند و ناراضی عینی خود را در اشکال گوناگون از جمله برگزاری تظاهرات - به ویژه در شهرهایی که به میدان جنگ بدل شده - آشکار می سازند . رهبران ج ۱۰ نیز که هنوز با بهره گیری از رادیکالیسم لفظی خاص خود ، حمایت زبانی از خواستهای مردم را ترك نکرده اند ناگزیر و به منظور کاهش دادن شدت ناراضی های مردم از تأمین منافع آنان دم می زنند و خواست به حق و گسترده مردم را مبنی بر پایان دادن به این جنگ بی - سرانجام ، خواست خود نیز قلمداد می کنند و برای برآوردن آن ، تنها به شیوه و نظر تشنج فزایانه و امپریالیسم پسند خود تکیه می کنند . از همین روست که " یکسره کردن " کار " رادیکال " نشاء الله لوله نفت شمال عراق را هم می بندیم " و بسیج نیروها در جنوب غربی کشور و تسد ارك حمله های گسترده " در روزهای آینده " معنی می کنند .

به دنبال این تهدیدات ، عراق هم به اجزای مانور هوایی دست زد و در چند روز گذشته ، هواپیما های عراقی در يك زمان ، آسمان تهران و ۱۷ شهر دیگر کشور ما را به جولانگاه های خود بدل کردند و دیوار صوتی را شکستند .

ناگفته پید است ، پی آمد های ویرانگر این تهدیدات جنون آمیز و قدرت نمائی های تجاوز - گرانه ، تنها دام گیر مردم محروم و ملت های صلح دوستد و کشور ایران و عراق خواهد شد .

استقرار موشکهای پرشینگ - ۲ در ترکیه ، پاکستان و عربستان سعودی

آغاز فعالیت دوباره " پیمان همکاری منطقه ای برای عمران " که شعبای از پیمان نظامی سنتو است ، با رویداد های جدیدی در منطقه همراه شده است .

در هفته گذشته مطبوعات هند ، در رابطه با استقرار موشک های اتمی پرشینگ ۲ ، در پاکستان - یکی از سه کشور عضو این پیمان - مطالبی منتشر ساختند که از توطئه های امپریالیسم آمریکا برای تحکیم مواضع نظامی خود در خاورمیانه و بخش غربی اقیانوس هند ، پرده برمی دارد . در همین رابطه خبرگزاری های جهان اعلام کردند که بخش اعظم " میلیخ ۳ " میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلاری ، که (آمریکا) در اختیار پاکستان گذاشته ۰۰۰ برای افزایش قدرت نیروهای واکنش سریع آمریکائی و ارتش پاکستان در نظر گرفته شده است .

دولت ترکیه نیز که در عین عضویت در پیمان ، آتلانتیک شمالی - ناتو - به مقام دبیر اولی " پیمان همکاری منطقه ای برای عمران " هم انتصاب شده ، به همین میزان در گسندراب وابستگی به امپریالیسم آمریکا فرو رفته است ، روزنامه " اطلاعات می نویسد :

" کل ارقام وام های پرداختی در سال ۸۲-۸۳ به دولت نظامی ترکیه ، بالغ بر ۷۵۰ میلیون دلار بوده که ۳۵۰ میلیون دلار آن را کمک های اقتصادی و ۴۰۰ میلیون دلار دیگر را کمک های نظامی تشکیل می دهد . میزان وام های اعطائی آمریکا به ترکیه پس از روی کار آمدن ژنرال ها و به دست گرفتن حاکمیت در ترکیه ، شدیداً افزایش یافته ۰۰۰ " .

این روزنامه ، همچنین می نویسد :
 " فرمانده نیروی زمینی آمریکا به منظمیور دیدار چند پایگاه نظامی و گفتگو با مقامات نظامی ترکیه وارد آنکارا شد " (اطلاعات ، ۲۹ دی) .

هم چنین ، چندی پیش هیئت نمایندگی

حزب کمونیست ترکیه در هفتمین کنگره حزب کمونیست آلمان فدرال اعلام کرد که آمریکا با ن سازی و تأسیس پایگاه های نظامی جدید قصد دارد موشک های پرشینگ ۲ و موشک های کروز در خاک آن کشور مستقر سازد .

علاوه بر این دو کشور ، آمریکا در نظر دارد کشور مرتجع و سرسپرده " دیگری چون عربستان سعودی را نیز در محاسبات خود داخل کند . روزنامه " المستقبل چاپ قبرس می نویسد :

" عربستان سعودی اعلام کرده است که دولت های اروپای غربی تحت فشار اتحاد شوروی موشک های پرشینگ آمریکائی را از کشورهای خود خارج سازند ، عربستان سعودی حاضر است این موشکها را در خاک خویش مستقر نماید . به نوشته " همین روزنامه طی ۴ ماه گذشته تماس هایی به درخواست آمریکا بین آن کشور عربستان برقرار شده است . از سوی دیگر مخالفت های شدیدی که در اروپا علیه استقرار موشک های پرشینگ ابراز شده ، آمریکا را بیش از پیش بر آن داشته تا این موشکها را در عربستان سعودی ، ترکیه و پاکستان نیز مستقر سازد . در چنین شرایطی ، رهبران ج ۱۰ دست " ابتکار " می زنند و پیمان " همکاری منطقه ای برای عمران " را که از بدو تشکیل ، به توصیه امپریالیسم آمریکا پا گرفت و در ارتباط با پیمان سنتو قرار داشت دوباره احیا می کنند .

"شوراهای کشت" هم منحل شد!

مرتضی مقتدائی ، عضو و سخنگوی شورای عالی قضائی ، در يك صحابه مطبوعاتی اعلام کرد :
 " مقرر شد کار شوراهای کشت ، به عهده هیأت های ۷ نفره واگذار شود و با توجه به بخشنامه های صادره از سوی شورای عالی قضائیم در مورد زمین هایی که از سال های ۵۸ و ۵۹ هجری قمری در استان کردستان ، توسط نهاد های هیأت های ۷ نفره و محاکم زمین اخذ نمود ه اند طبق موازین شرعی و عرف محل اقدام شود (اطلاعات - ۲۹ دی) .

شورای های کشت که طبق گفته سخنگوی شورای عالی قضائی منحل اعلام شد ، نهادی مردمی بود که پس از انقلاب زمین های مصادره شده ، در اراضی ای که طبق مصوبه شورای انقلاب تقسیم شده بود و نیز زمین هایی که دهقانان در روزهای انقلاب ، خود در اختیار گرفته بودند ، به روستائیان واگذار می کرد تا به طور موقت و تا تعیین تکلیف مالکیت این اراضی توسط بقیه در صفحه ۱۳

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

مراجع صلاحیت دار به کشت و داشت و برداشت بپردازند - این شوراها در پی درگیری ها و موانعی که به اصطلاح مالکین زمین ایجاد می- کردند و اراضی قابل کشت و دایر را به انگیزه پائین آوردن سطح کشت و ضربه زدن به انقلاب به اراضی بایر بدل می ساختند، تشکیل شد و با اقدامات انقلابی خود که موافق منافع روستائیان بود، گام های مثبتی در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب برداشت - این شورا از بدو تشکیل با مخالفت ها و کارشکنی های "خان هیسا" و نمایندگان آنان در حاکمیت روبرو بود - شورای عالی قضائی، با انحلال این شوراها که در ادامه اقدامات "مالک" پسند است - حاکمیت ج ۱۰ - مبنی بر به خاک سپردن قانون اصلاحات ارضی و به دنبال آن تبدیل نهاد جهاد سازندگی به "وزارتخانه" و تضعیف هیأت های ۷ نفره و دعوت از "خان" ها برای بازگشت به میهن صورت می گیرد، مواضع ارتجاعی زمین داران بزرگ را در حاکمیت تحکیم می - بخشد -

این اقدامات، همانگونه که بدون پیش زمینه انجام نگرفته، بدون "درنما" هم نخواهد بود: دیری نخواهد گذشت که "سخنگوی دیگری" خبر انحلال هیئت های هفت نفره را در مصاحبه مطبوعاتی دیگری اعلام کند!

جنگ، بیکاری، آوارگی

اخراج کارگران در دوران پنج ساله پس از انقلاب، همواره یکی از واقعیات دردناک جامعه ما بوده است. حاکمیت به جای پشتیبانی از کارگران، خود به عامل اخراج آنها تبدیل شده

است. ارتجاع حاکم بر میهن ما، از سوی کارگران را به صلح می فرستد تا با خون آنان انحصارات نظامی جهان را سیراب کند و از سوی دیگر دست سرمایه داران و مدیران داخلی را باز می گذارد تا کارگران بازگشته از جیبها را اخراج کنند - ابعاد فاجعه آنقدر وسیع است که قائم مقام وزارت کار مجبور شده است تا مسئله "جانبداری از کارگرانی که برای مدتی به جیبه ها می روند" را مطرح سازد و بدین شکل عوام فریبی کند:

"نیاید این کارگران به هیچ وجه دلوایس از دست دادن کار خود باشند"

واقعیت آنست که کارگران در ج ۱۰ نه تأمین کاری دارند نه تأمین جانی، این امر به خود کارگران محدود نشده، دامنگیر خانواده آنها نیز می شود:

طبق قانون چنانچه کارگرانی که به جیبه می روند کشته یا معلول و از کار افتاده شوند، باید مقرری در حق خانواده شان پرداخت گردد. ولی واقعیت این است که در این موارد چیزی جز در به دری و آوارگی نصیب این خانواده ها نمی- شود - بنا به اعتراف سیاهپوش، معاون نظارت بر روابط کار وزارت کار مشکلات ناشی از اجرای تبصره ۸ ماده ۵ واحد ۵ مصوبه مجلس شورا، پیرامون مستمری متعلقه به خانواده شهسوار و معلولین کارگری جنگ "آنچنان بوده است که برای حل آن وزارت کار ناگزیر شده است دست به اقداماتی بزند -

ترکیب جالبی است! مجلس به اضافه شورای نگهبان سرمایه داری برای کارگران و خانواده شان "مشکلات" ایجاد می کنند تا وزارت کار برای حل آنها جلسه تشکیل دهد! در این میان تنها خانواده های کارگران هستند که بدون آشنایی با کاغذ بازی اداری، باید ساعتها در مثلث کارفرما - وزارت کار - سازمان تأمین اجتماعی آواره شوند!

زدو بندهای پنهان حکام ج.ا.ا را با امپریالیسم جهانی افشاء کنیم!

در پی فراخوان "راه توده" مبنی بر ارسال اسناد و اخباری که مناسبات پنهان و روز افزون حاکمیت ج ۱۰ با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را افشا می کند، اخباری برای ما ارسال شده است که از این هفته به درج آنها می پردازیم -

مجله نیوزویک تحت عنوان "روابط تجاری بین ایران و ایالات متحده افزایش می یابد" نوشته است:

"علی رغم تنش های سیاسی موجود، روابط تجاری بین ایالات متحده آمریکا، بازگشت چشم آسیایی را آغاز کرده است. بین سال های ۱۹۷۸ و ۱۹۸۰، سالهای تکون انقلاب ایران و تسخیر سفارت آمریکا در تهران، سطح روابط تجاری از ۱/۶ میلیارد دلار به ۴۸۱ میلیون دلار نزول کرد - این جریان اکنون به تسریع سیر عکس را در پیش گرفته است. در طول ده ماه اول سال ۸۳ بیش از یک میلیارد دلار کالا بین دو کشور مبادله گردیده است. و اگر معاملات غیرمستقیم ایران را که از طریق واسطه های ثالث انجام شده به حساب آوریم، این رقم به بیش از دو برابر رقم بالا بالغ خواهد شد -

با افزایش تولید نفت ایران، و بهبود وسیع اقتصادی کشور، صادرکنندگان آمریکایی می توانند در انتظار موج فزاینده و مداوم این جریان باشند، زیرا: ایران هنوز در قید وابستگی های گذشته خود است. خرید های صده ایران عبارت از قطعات یدکی و ماشین آلات مورد نیاز برای صنایع و پایگاه های نظامی احداث شده در طول دهه هفتاد، سالهای اوج سرمایه گذاری های آمریکا در ایران، می باشند -"

شایان توجه است که این خبر در قسمتی از مجله نیوزویک (۹ ژانویه ۸۴) درج شده است که اطلاعات و امکانات موجود در دنیا را به تجار و سرمایه داران آمریکایی معرفی می کند -

"راه توده" با تشکر از همکاران خود خواهان همیاری هرچه بیشتر همه نیروهای انقلابی و ترقی خواه در انجام این وظیفه انقلابی است -

بر فرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیسمی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

توطئه سرکوب سازمان فدائیان خلق ایران

بقیه از صفحه ۲

گرفته اند، امروز توطئه گسترده تری علیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را آغاز کرده اند. ما ضمن محکوم کردن همه احکام صادره دادگاه شرع ارتش علیه افسران میهن پرست و اعضای حزب توده ایران از همه مردم انقلابی میهن و نیروهای انقلابی در سراسر جهان، از همه احزاب، سازمانها و جمعیت ها، محافل و شخصیت های بشر دوست و آزادی خواه دنیا می خواهیم که صدای اعتراض خود را علیه جنایاتی که در میهن ما می گذرد رساتر سازند -

ما از همه بشریت ترقی خواه می خواهیم از هیچ کوششی برای اعمال فشار بر حکومت ایران برای پایان دادن به این جنایات باز نایستند، و پشتیبانی خود را از زندانیان سیاسی گسترش دهند -

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور
شنبه اول بهمن ۱۳۶۲

مجاهدین خلق ایران و حزب توده ایران کوشش کردند سیاست "سرکوب اعلام نشده" سازمان فدائیان خلق را پیش ببرند - آنان تصور های تحقیق و مراقبت برای نابود کردن رهبری و کادرهای سازمان پهن نمودند ولی دیدند که با فداکاری و هوشیاری همه اعضا و توده ساززنی موفق نشدند توطئه رذیلانه خود را عملی کنند -

"حکومت اوین" و سازمانهای سرکوب جمهوری اسلامی، شمشیرکننده ترین شگردها را به کار گرفتند - آنان آزار و اعمال فشار بر خانواده اعضای رهبری و کادرهای سازمان را گسترش دادند و وعده های از اعضا و کادرهای سازمان را که از دو سال قبل در یازداشت نگه داشته بودند به زیر شلاق کشیدند - اکنون چندین ماه است که رفقای ما رادر سلولهای اوین شکنجه می کنند -

رهبران جمهوری اسلامی که اینک به جای عمل به وعده هایی که به مردم زحمتکش میهن ما داده بودند به آرمانهای مردم پشت کردند و سیاست سرکوب وحشیانه همه نیروهای انقلابی را در پیش

دست امپریالیسم آمریکا از آبهای خلیج فارس کوتاه!

معامله بر سر منافع ملی در لباس پر خاشگری دروغین

بقیه از صفحه ۱

عربستان سعودی و کویت، در چهار جوب عملیات نظامی مشترک کشورهای عضو پیمان امپریالیستی " شورای همکاری خلیج " ادامه دارد .

صف آرای نظامی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس و در مرزهای دریایی میهن ما نیز همچنان ادامه دارد . فرماندهی نیروهای واکنش سریع

در عرشه یکی از رزمناوهای آمریکایی که در نقش زاندارم بین المللی مرزهای آبی میهن ما را در می نوردند، تشکیل شده است .

طی سالهای پس از پیروزی انقلاب، آمریکایی ها هیچگاه با چنین گستاخی خیره سرانه ای استقلال و حق حاکمیت مردم ما را تهدید نکرده اند و زمامداران ج ۱۰، نیز با چنین زبونی تسلیم - طلبانهای در برابر این قدرت نمایی ها سکسوت پیشه نکردند .

هفته گذشته خبرگزاریهای جهانی از قسول مقامات آمریکایی گزارش دادند که گویا خلبانهای ایرانی قصد دارند طی عملیات انتحاری با هواپیما های کوچک به رزمناوهای آمریکایی حمله کنند . دولت آمریکا به صراحت اعلام کرد که برای جلوگیری از این اتفاق دست به عملیات پیشگیرانه خواهد زد و از جمله پایگاه های نظامی ایران را هدف حملات موشکی قرار خواهد داد . در این مورد رادیو مسکو در تفسیر خود (۷ بهمن ۶۲) با اشاره به تأکید ریگان در مورد وجود نقشه " ضربه موشکی به پایگاه نظامی ایران " در سواحل شمالی خلیج فارس، بر جدی بودن این تهدید تأکید ورزیده است .

معامله گری با حق حاکمیت خلق

واکنش رهبران ج ۱۰ در برابر این تهدید تجاوزکارانه، بیانگر آنست که حاکمیت سر آن دارد که تلاشهای ارتجاعی خویش در جهت ادامه معاملات سیاسی با امپریالیسم آمریکا را ادامه دهد . لازم است اشاره شود که پیش از این محافل دولتی آمریکا اعلام کرده اند که در دولت آمریکا، در رابطه با جنگ ایران و عراق و جناح وجود دارد، یک جناح خواهان پشتیبانی از ایران، و جناح دیگر خواهان پشتیبانی از عراق است . گویا در هفته های اخیر جناح متعادل به عراق ترفیق پیدا کرده است و در نتیجه در سیاست دولت آمریکا چرخشی در جهت حمایت از حکومت عراق ایجاد شده است (واشنگتن پست ۱ ژانویه ۸۴) .

سران ج ۱۰ که طی ماه های اخیر بارها وبه اشکال گوناگون (" راه توده " - شماره ۷۶) خواستار پشتیبانی آمریکا و فروش سلاح های استراتژیک امپریالیستی به ج ۱۰ شده اند، در

پاسخگویی به تهدید نظامی آمریکا، تمایل خویش به جلب حسن نظر جناح مدافع خویش در دولت آمریکا را از قلم نینداختند :

رئیس جمهور خامنه ای، که می توان او را یکی از بانیان و طراحان اصلی سیاست تسلیم در برابر امپریالیسم دانست، می گوید :

" اگر سیاستگزاران آمریکایی ۳۰۰۰ دلار و سوسه ماجراجویی در این منطقه بشوند، ما آن را بدون پاسخ نخواهیم گذاشت، و مسلماً آن جناحی شکست خواهد خورد که تا به حال ضربات متوالی از اسلام و انقلاب اسلامی را خورده است . ۳۰۰۰ مادامیکه دشمنان انقلاب اسلامی می خواهند با زور (؟ !) یک انقلاب و ملت را خاضع کنند، ما ایستاد ایم " (رادیو ایران - ۳ بهمن ۶۲) .

تسلیم طلبی و معامله گری از برای این اظهارات به ظاهر پر خاشگرانه به صراحت تمام رخ می نماید :

۱- آقای خامنه ای هیچ اعتراضی به حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در مرزهای دریایی میهن ما ندارد . این امر به معنای به رسمیت شناختن " حق " امپریالیسم آمریکا در زیر پا گذاردن حق حاکمیت ملی مردم ایران است ، و امتیاز عمده ای است که پیشکش تجاوزگران جهانی می شود .

۲- آقای خامنه ای تمایل خود را به جلب پشتیبانی و تقویت " جناح مدافع ج ۱۰ در دولت آمریکا " پنهان نمی کند . مخاطب آقای خامنه ای، نه امپریالیسم آمریکا، بلکه " جناح مدافع عراق " در دولت آمریکاست . این زبان دلالان و معامله گران است نه زبان انقلابیون .

۳- آقای خامنه ای به امپریالیسم آمریکا توصیه می کند که از اعمال " زور " خودداری کند، و به همان سیاست مسخ اکتفا کند . مادامکه زور ادامه دارد، رهبران ج ۱۰ ناگزیر از " ایستادگی " خواهند بود، اما اگر نرمش و همراهی امپریالیسم آمریکا متوجه ج ۱۰ شود، ایشان دیگر در مقابل آمریکا نخواهند ایستاد، بلکه کماکان زانو خواهند زد .

در سخنان رئیس مجلس در این باره نیز، کمترین اعتراضی به حضور نظامی امپریالیسم در خلیج فارس و دهانه تنگ هرمز وجود ندارد و مضمونی مشابه سخنان رئیس جمهور تکرار می شود . این نرمش سیاسی نیز در دنباله سخنرانی های اخیر هاشمی رفسنجانی در مداحی سلاح های استراتژیک آمریکایی و انگلیسی، و وجوب تهیه

آن ها برای ج ۱۰، معنای سیاسی جز آنچه گذشت ندارد .

معامله کاری سیاسی رهبران ج ۱۰ با امپریالیسم آمریکا، در شرایط تهلجم همه جانبه امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی در خاور میانه و خلیج فارس، و در شرایطی که مرزهای آبی میهن ما جولانگاه رزمناوها و نیروهای تجاوزگر آمریکایی است که استقلال و آزادی مردم ما را با گستاخی خیره سرانه زیر پا می گذارند، بیانگر آنست که حاکمیت ج ۱۰ بیش از پیش خواست و توان دفاع از منافع ملی مردم ما را از دست می دهد .

در مقابل این سیاست مزورانه و تسلیم طلبانه، سیاست روشن و پیگیر ضد امپریالیستی

نیروهای انقلابی پیگیر و میهن دوست و در رأس آن حزب ما قرار دارد . اگر امروز، فردا و یا هر روز دیگری تجاوزگران امپریالیستی که پا به خاک میهن ما بگذارند، همه نیروهای راستین

انقلابی و پیشاپیش همه رزمندگان حزب توده، ایران را در برابر خود خواهند دید که مانند همیشه همه زحمتکشان را به اتحاد در مقابله با

امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی همه خلق های ایران و جهان فرا می خوانند . این وظیفه انقلابی

است، و ما آموخته ایم که در دشوارترین شرایط ممکن نیز به اجرای وظایف انقلابی خویش بپردازیم .

ما شك نداریم که در چنین رزمی، مردم میهن ما، مانند همیشه از همبستگی و پشتیبانی همه

نیروهای صلح دوست و ضد امپریالیست و پیشاپیش همه، اتحاد شوروی، همسایه بزرگ و نیرومند شمالی ما چنانکه در تفسیر یاد شده رادیو مسکو گفته شده است، برخوردار خواهند بود .

تصحیح و پوزش

در شماره ۷۷ " راه توده " مقاله " رفسنجانی : " سلاح های آمریکایی و انگلیسی از نان شب برای ما واجب تر است " جمله " . . . نزدیک به ۱۱ میلیارد دلار از ۲۰ میلیارد دلار بهای سلاح های آمریکایی . . . پرداخت می شود " صحیح است و نه " . . . نزدیک به ۱ میلیارد دلار . . . " .

مرکز بر امپریالیسم جهان خوار آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

انتخابات وزحمتکشان

۱ از صفحه

مجلسی فرمانبردارتر و کم و سرورصداتر و رد سرتر می‌خواهند. تلاش آنان، بسیاری و پرداخت چنین مجلسی تا آنجا پیش است که نمایندگان جناح دیگر حاکمیت در اش گفته‌اند:

"اسلام معنایش این نیست که ما نمایندگان بریم بگذاریم مجلس با هر فسق و فجوری که بود... این خطر برای مجلس و حکومت و پ است... مسأله انتخابات این نیست که بردارند و بتراشند و ببرند توی مجلس... بیت‌الله جنتی - نماز جمعه قم - ۱۲۰۱ آذر ۰"

روشن است که در انتخابات کسانی انتخاب شوند که از حق "انتخاب شدن" برخوردارند. در شرایطی که احزاب و سازمان‌های (بی‌پیکر، حزب توده، ایران، سازمان فدائیان ایران (اکثریت) و سازمان مجاهدین ایران به وحشیانه ترین شکل سرکوب و بیگرد شوند. و هر گونه گرایش به راه و آرمان‌های ن که آرمان‌های اصیل مردم زحمتکش ماست، به رومیت از کلیه حقوق اجتماعی و انسانی انجامد، حق انتخاب شدن "به طور عمده در صدار نمایندگان و مدافعان سرمایه‌داران و بن داران بزرگ قرار می‌گیرد که در سه حزب و زمان اصلی معرفی کننده نامزدها، حزب جمهوری اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه"

قم، سازمان روحانیت مبارز تهران اکثریت دارند. نمی‌توان برای کوشش جناح مخالف که از طریق سازمان‌های کم نفوذتری چون "شورای مرکزی ائمه جمعه" و "سازمان تبلیغات اسلامی" تلاش دارند برای نامزدهایی که به سازمان‌های "مؤتلفه" وابسته نیستند نیز جایی باز کنند، در نیامی قابل شد. اهرم‌های اساسی تشکیلاتی و سازمانی انتخابات در اختیار ائتلاف نیروهای ارتجاعی است، به ویژه که آیت‌الله خمینی نیز با این فرمان مهم به بازاریان بزرگ:

"شما بازار را بیدار کنید تا در تهران و سایر جاها اشخاص خوبی را به مجلس بیاورند تا مجلس آینده ما از مجلس فعلی بهتر باشد" (کیهان ۱۳ دی ۱۳۲۲)

هم وزن سیاسی و تشکیلاتی را به سود سرمایه‌داران و زمین داران بزرگ سنگین تر کرده است و هم بر تلاش‌های آنان برای تخییر قطعی تناسب نیروها در حاکمیت به سود ارتجاع از طریق تصفیه مجلس، صحنه گذارده است.

به دنبال این سخنرانی "جامعه انجمن های اسلامی بازار و اصناف تهران" طبعی اعلامیه‌ای "وفاداری و آمادگی خود را در رابطه با همکاری و همیاری با مدرسین محترم حوزه علمیه قم و روحانیت مبارز و حزب جمهوری اسلامی" اعلام کرده است. (اطلاعات ۲۰ دی ۱۳۲۲)

بدون شک چنین انتخاباتی برای زحمتکشان ایران سودی به بار نخواهد آورد. انقلابیون راستین وظیفه دارند با افشای این حقیقت در پیشگاه مردم، به تکامل آگاهی انقلابی آنان یاری رسانند. بی‌شک تجربه عینی توده‌ها نیز مؤید این افشاکاری‌ها خواهد بود.



انتخاب "اصلح"

سیاسی ده‌هفتاد ایران حزب و سازمان خاصی که نمایندگی مستقیم آنان باشد نداشتند. حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران، (اکثریت) منافق زحمتکش‌ترین ده‌هفتاد را نمایندگی می‌کردند، و سازمان مجاهدین خلق ایران و روحانیون و سیاستمدارانی که جناح مدافع "عدالت اسلامی" حاکمیت را تشکیل می‌دادند، در جریان گسترش و زرقش انقلاب، سخنگوی منافع آنان بودند. در بررسی نقش سازمان‌های سیاسی وابسته به افسار بینابینی، نقش این نیروها بررسی خواهد شد.

مقاومت ده‌هفتاد در برابر بازگشت انقلاب

به دنبال فرمان هشتاد های، زمین داران بزرگ تحرك گسترده‌ای برای باز پس گرفتن املاک خویش از خود نشان دادند. مقاومت ده‌هفتاد در برابر بازگشت فتودالها به آشوب‌های گسترده در روستاها انجامید. به اعتراف شورای عالی قضایی:

"مالکین فراری و مخفی برگشته و با زارمین درگیر شدند. احکام حکام شرع مبنی بر خلغ ید از ده‌هفتاد "موجب اخلال در امر کشاورزی شده و گرفتاری‌ها و ناراحتی‌های زیادی را به دنبال داشته است" (اطلاعات ۳۱ خرداد ۱۳۲۲). شورای عالی قضایی، به این دلایل، از آن پس رسیدگی به احکام مربوط به زمین را در دادگاه‌ها متوقف کرد. با وجود این بسیاری از فتودالها املاک خود را در این فاصله باز پس گرفتند. و مقاومت ده‌هفتاد که به اعمال قهر و خشونت از سوی دو طرف می‌انجامد، به گرفتاری هر روزه حاکمیت ج. ا. تبدیل شده است. ده‌هفتاد در خراسان، فارس، زنجان، گرمسار، گروه‌گروه به خاطر این مقاومت انقلابی به زندان افتادند. بحران ریشه دار اقتصاد کشاورزی و مهاجرت گروهی ده‌هفتاد بی‌چیز به شهرها، حاصل متوقف ماندن حل مسأله ارضی است.

ارتجاع ایران برای مخدود کردن دستاوردهای انقلاب در حل مسأله ارضی، در چهار چوب منافع زمین‌داران و سرمایه‌داران، ناگزیر از اعمال فشار بیشتر و آشکار تر نسبت به توده ده‌هفتاد است. بدون شک مقاومت ده‌هفتاد انقلابی ایران، که در فراز و نشیب انقلاب به تجربه عینی به منافع طبقاتی و نیروی متحد خویش پی برد، مانده در برابر فشارهای ارتجاع، به برآمد های نوینی در جنبش انقلابی ده‌هفتاد خواهد انجامید.

حوالات طبقاتی در جامعه...

۹ از صفحه

۲۵ هزار تومان را با نرخ بهره نازل ۴/۵٪ در اختیار آنان می‌گذارد. در حالی زمین‌داران متوسط و کوچک، اغلب وام‌های کمتر از ۲۵۰ هزار تومان از بانک اوان کشاورزی، آن هم با گروگزاردن وثیقه‌های به بهای ۴ برابر، و نسیخ ۱۴٪ یافت می‌کردند. عدم افزایش بهای محصولات کشاورزی نیز یکی از دلایل ناپایداری آنان از رژیم شاه بود. از این رو این بخش از بورژوازی - املاک‌های ایران - همراه با بورژوازی ملی کم و بیش با انقلاب همراهی کردند.

با اوجگیری جنبش ده‌هفتانی پس از انقلاب، زمین داران متوسط و کوچک و توده ده‌هفتاد ثروتمند که منافع خویش را نیز در خطر می‌دیدند، به اردوی سازش و صلح انقلاب پیوستند. آنان که از دیرباز با روحانیون مرتجع و سازشکار پیوند‌های صنادی و سیاسی و مذهبی داشتند، به کمک آنان فشار سنگینی در جهت تصفیه اصلاحات ارضی و محدود کردن آن در چهار چوب حفظ منافع خویش به عمل بردند. بورژوازی تجاری نیز متحد طبیعی آنان در این تلاش‌های ضد انقلابی بود. با همکاری مشترک این نیروها نظام بزرگ مالی ایران از نابودی نجات پیدا کرد و اینک به تحکیم دوباره پایه‌های اقتصادی و حقوقی و سیاسی خویش پرداخته است.

بازماندهای صنفی و سیاسی ده‌هفتاد

با اوجگیری جنبش ده‌هفتانی، شبکه گسترده شورا‌های ده‌هفتانی در اغلب نقاط کشور به وجود آمد. این شوراها با همکاری و پشتیبانی همه نیروهای انقلابی و با کمک هیات‌های هفت نفره تقسیم زمین و جهاد سازندگی، نقش مهمی در تشکیل ده‌هفتاد و اقدامات عملی در راه مصادره و تقسیم زمین و عمران روستاها به عهده گرفتند. در برخی از نقاط از جمله ترکمن صحرا و کردستان و آذربایجان غربی، سازمان سازمان یافته ده‌هفتاد به اقدامات ریشم‌ای در راه مصادره زمین‌های زمین‌داران بزرگ و تقسیم آن میان ده‌هفتاد انجامید.

با توقف بازگشت انقلاب، شورا‌های ده‌هفتانی کم و بیش به صورت نهاد‌های فعل نیمه دولتی درآمده و در بسیاری نقاط خود به خود منحل شده. از نظر



● اوضاع جهان در پی استقرار موشک های میانبردا آمریکائی در اروپای غربی و اقدامات تجاوزکارانه آمریکا در چهار گوشه جهان بسیار متشنج گشته است .

یوری آندریف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی در باره این اوضاع به روشنی اظهار داشت :

" اوضاع بسیار حاد، وخیم و خطرناک است . کم ارزش دادن به این امر جایز نیست . رهبران آمریکا که عالما و عابدا اوضاع کنونی جهان را به شکل تحریف شده جلوه گر می سازند تلاش می کنند تا گرانی ملت ها را به مناسبت سیاست نظامی گرایانه واشنگتن که روز به روز بیشتر می شود از بین ببرند و موج فزاینده مقابله با این سیاست را فرو نشانند ."

رفیق یوری آندریف این حقیقت را در باره اهمیت فراوان نامید، که تمام جهانیان دم به دم پیش از پیش به خطری که صلح جهانی را تهدید می کند پی می برنند . منشاء آنرا تشخیص می دهند . رفیق یوری آندریف افزود :

" مبارزه میلیونها نفر در راه صلح نیل و واقعیت عینی روزهای کنونی است . مخالفت مردم جهان با سیاست جنگ افروزانه و توسعه طلبانه آمریکا در کشورهای سرمایه داری غرب آنچنان گسترش یافته است که برخی محافظان حاکمه این کشورها را به موضع گیری ، هر چند محدود در برابر سیاست های دیوانه وار رهبران آمریکا وادار ساخته است . کیناک ، رهبر حزب کارگر بریتانیا ، در اظهارات اخیر خود در رابطه با سیاست واشنگتن گفت :

" اگر دولت آمریکا نشان دهد که به حل مشکلات علاقمند است از ترازوی بیشتر می توان جلوگیری کرد " (گاردین ۲۵ ژانویه ۱۹۸۴) .

سی-آی-ای سازمان دهند موج تروریسم در ترکیه طی سالهای ۸۰-۱۹۷۹

در آنکارا غالباً برای توجیه کودتای نظامی سپتامبر ۱۹۸۰ گفته می شد که کودتا لاقابل این خدمت را کرد که نقطه پایانی بر موج تروریسم گروههای راست گرا گذاشت که تنها طی مدت دو سال ۵۲۴۱ نفر را به قتل رساندند . اما برای آگاهان به سیاست امپریالیسم آمریکائی ، پایان گرفتن موج تروریسم در ترکیه غیر منتظره

نیود . هدف سازمان دهندگان تروریسم در ترکیه آن بوده که زمینه را برای پایان دادن به نظام پارلمانی فراهم کنند . وقتی پس از انجام کودتا به هدف خود دست یافتند " الهام دهندگان " تروریسم که سی-آی-ای پیشاپیش آنان قرار داشت دیگر نجسی در ادامه آن نداشتند .

البته فروکش موج تروریسم موجب آن نشد که از فعالیت پلیس کاسته شود . برعکس ، به طوری که

نشریه فرانسوی " لوموند دیپلوماتیک " می نویسد، پلیس ترکیه دامنه فعالیت خود را از چهار-

چوب مبارزه با تروریسم بسیار گسترده تر کرد و آن را علیه آن نیروهای متمرکز ساخت که هیچ وجه مشترکی با تروریسم نداشتند . از جمله حزب کمونیست ترکیه که از شصت سال پیش مجبور به

فعالیت غیر علنی است و اتحادیه کارگران ترکیه " دیسک " مورد هجوم وحشیانه پلیس قرار گرفتند .

دوازدهمین کنگره حزب کمونیست سری لانکا

در کلمبو پایتخت سریلانکا دوازدهمین کنگره حزب کمونیست این کشور گشایش یافت . رفیق سیلوا دبیر کل کمیته مرکزی طی گزارش به کنگره

سیاست خصمانه دولت ریگان را علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیست محکوم کرد . او گفت مستقر کردن موشک های اتمی آمریکا

در اروپای غربی خطر بزرگی برای صلح جهانی است . سخنران طی گزارش خود به حضور نظامی روز افزون امپریالیسم آمریکا در اقیانوس هند نیز اشاره کرد و تلاش های آمریکا

برای کشاندن سریلانکا را در جرگه کشورهای زیر نفوذ و پایگاه نظامی خود در منطقه برای

امتیاز کشور بسیار مداخله آمیز توصیف نمود . تشکیل دوازدهمین کنگره حزب کمونیست

سریلانکا موفقیت بزرگی برای زحمتکشان این کشور است . به طوری که چندی پیش به دنبال

حوادث ناگواری که در آنجا اتفاق افتاد، ارتجاع سریلانکا از فرصت استفاده کرد و حزب کمونیست

را غیر قانونی اعلام نمود . ولی به دنبال اعتراضات شدید از داخل و خارج مجبور به تجدید نظر در

این تصمیم غیرعادلانه گردید . کمیته مرکزی حزب توده ایران طی پیامی

برگزاری دوازدهمین کنگره حزب کمونیست سریلانکا را به حزب برادر این کشور شاد باش گفته و برای

زحمتکشان آنجا آرزوی پیروزی در مبارزه علیه ارتجاع و توطئه های امپریالیسم کرده است .

آی مردم! نامه مردم

بقیه از صفحه ۷
دد متشانه ارتجاع و ضد انقلاب قرار گرفته ، هر یار شکوفاتر و بالنده تر از پیش در حیطه سیاسی - اجتماعی سرزمین ما حضور یاف حتی فراتر از آن ، راهگشای نیروهای مدافع سعادت راستین بشری شد . و چنین است نیروی نهفته این آشنای دیر یاب ، درون آن را به شعله می کشد . انعکاس این شعله را ندای پیک نامه " مردم " می توان باز خوان ، با همه دشنامها و خراشها و ریشخندها ، بر می آورد :

لیک من پیک شما خدمت گزاران موده بخش روزهای باز به زمین روزگاران تا که نیرو و نفس دارم به جانم نامه ها را می رسانم .

جان گرفته از رفیق نورسیده ، شعله ایمان گرفته می دوم در هر خیابان کوچک و پس کوچمه های تنگ سردرگم بانگ بر می دارم . از شادی آئی مردم ! نامه " مردم " .

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است
رفقای هوادار حزب توده ایران فرانکفورت (آلمان فدرال) هزینه چاپ این شماره "راه توده" تأمین کردند

● رفقای فرانکفورت برای سومین بار هزینه چاپ يك شماره "راه توده" را تأمین کردند

راه توده
AHE TUDEH
No. 78
i day, 3 Feb. 84
address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

England	30	P.
Belgium	22	Fr.
Italy	600	L.
U.S.A.	50	Cts.
Fr.	3	Skr.
Sch. Sweden	3	Skr.